کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

شماره ۲۲

سال ششم

آذر ماه ۱۳۷۲

قیمت : ۲ مارک

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

تجمع اعتراضی ۱۶۰۰ کارگر نفت جنوب

بدنبال عدم پرداخت دستمزد ماهیانه کارگران توسط پیمانکار شرکت نفت ، در تاریخ سوم آبانماه ۱۳۷۲ حدود ۱۲۰۰ نفر از کارگران این بخش در مقابل ساختمان مرکزی شرکت در اهواز دست به تجمع اعتراضی زدند که همزمان با آن ۴۰۰ نفر دیگر از کارگران شرکت نفت در مسجد سلیمان بعنوان حمایت از حرکت اعتراضی آنها در جلوی ساختمان مرکزی شرکت در این شهر (مین آفیس) اجتماع کردند.

بقیه در صفحه ۲

اعتراض ، کم کاری و تجمع کارگران پیمانکار نفت

شرکت نفت که بعداز قیام و در سال ۵۸ کلیه پیمانکاران را اخراج نموده و خود راسا با کارگران پیمانی قرار داد بسته بود. در سالهای بعد تلاش کرد تا کلیه کارگران قراردادی و پیمانی را اخراج نماید اما این اقدام به دلیل مبارزه پی گیرانه و متحدانه کارگران و اعتصابات متعددی که داشتند با شکست مواجه شد. سپس شرکت نفت با توجه به تجربه ای که از مبارزات متشکل کارگران پیمانی داشت با هدف ممانعت از گسترش مبارزات متشکل کارگران و

بقیه در صفحه ۲

کارخانه لوله سازی اهواز و وضعیت کارگران پیمانی

کارخانه لوله سازی اهواز ۲۶۰۰ کارگر دارد . حدود ۸۰۰ تن از آنان استخدام رسمی هستند و ۱۸۰۰ تن بعنوان کارگر پیمانی در کارخانه کار می کنند، کارمندان نیز در این کارخانه به دو بخش رسمی و پیمانی تقسیم شده اند که حدود ۲۵۰ نفر از کارمندان رسمی هستند و ۲۸۰ نفر دیگر کارمند پیمانی محسوب میشوند. از میان ۶۰ کارمند زن لوله سازی اهواز ۴۰ نفر بعنوان کارمند رسمی و ۲۰ نفر بصورت پیمانی می باشند. شرایط کارگران پیمانی لوله سازی اهواز در مقایسه با وضعیت عمومی کارگران از زوایای مختلفی قابل توجه است .

کارگران پیمانی به جز دستمزد و حق عائله مندی از هیچ مزایای دیگری برخوردار نیستند یا بیان درست تر با توجه به اینکه در جامعه سرمایه داری حقوق کامل کارگران

بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر:

★ خبراعدام یك كاركر
★ اخبارکوتاه کارگری ایران
★ اخبارکارگری اروپا
★ جلسه همبستگی باکارگران بیشوفه رودە
★ درباره انجمن های صنفی کارگری
★ گزارش نشست بارهبران کارگری بلژیك
★ مصاحبه نشریه هلندی باانجمن
★ پیام به‌اجتماع کنندگان ۶ اکتبر
★ قطع دست یك کارگر
★ کیهان سلطنت طلب = روزنامه رسالت
★ اعدام سپاه پاسداران درمقابله باکارگران
★ موازین چاپ مطالب درکارگرتبعیدی
★ اکسیون درهلند
★ اولین شماره بولتن خبری انجمن
★ ومطالب دیگر

از تجارب جنبش های کارگری کشورهای دیگر بیاموزیم !

نمونه لهستان ـ ۱

سرسخن

در ماه گذشته هیئتی از فدراسیون سراسری اتحادیه های آلمان(د ـ گ ـ ب) سفری به شهر پوزنان لهستان داشت . این هیئت که من هم جزو آن بودم ، از طرف بخش پوزنان اتحادیه همبستگی دعوت شده بود.

در این سفر ما از کارخانه های مهم پوزنان (مجتمع صنعتی سگیلسکی ، کارخانه سازنده مواد غذایی آمینو، کارخانه اتومبیل سازی پالمو) و همچنین چند مرکز خدماتی دیدن کردیم و با تعدادی از اعضای اتحادیه همبستگی و کارگران صحبت نمودیم .

در طول این مسافرت و گفتگوهایی که با کارگران و اعضای همبستگی داشتیم ، بیشتر متوجه شدم که تجربیات جنبش کارگری لهستان درسهای گرانبهایی برای کارگران ایران در

بقیه در صفحه ۴

زنده باد تشکل های مستقل کارگری!

www.iran-archive.com

اعتراض ، کم کاری و تجمع کارگران پیمانکار نفت

دنباله از صفحه ۱

جلوگیری از اعتصاب و غیره شروع به استخدام تعدادی پیمانکار کرد و کارهایی مانند خدمات ، تعمیرگاهها ، فضای سبز و حمل و نقل و غیره را به آنان واگذار نمود.مسئولین شرکت نفت با این اقدامشان از سویی کوشیدند تا از تجمع و مبارزه متشکل کارگران قراردادی جلوگیری کنند و از طرف دیگر بواسطه این پیمانکاران و تحت عنوان قراردادی بودن کارگران آنان را از لحاظ ساعت کار و سطح حقوق و مزایا و غیره در سطح پائین تری از کلیه کارگران نگاه دارند.

پیمانکاران نیز با توجه به وضعیت سرسام آور بیکاری و فشارهای اقتصادی اجتماعی که بر زندگی کلیه کارگران وارد می آید تا به امروز تلاش کرده تا این کارگران را با مزدی ناچیز وادار به کار کنند و به قسمتهای مختلف کارخانه بفرستند. این کارگران به جای ۸ ساعت کار عملا حدود سیزده ساعت کار می کنند ولی حقوق ۸ ساعت را دریافت می کنند. علاوه بر آن از مزایای مختلف و ازجمله لباس کار و وسایل ایمنی محرومندوحتی حق عائله مندی و ایاب و ذهاب و بدی شرایط کار و غیره دریافت نمی کنند.

تعداد کارگران پیمانی در شرکت نفت مناطق نفت خیز اهواز و مسجد سلیمان حدود ۳۰۰۰ نفر می باشد که حدود ۲۴۰۰ نفر در اهواز و ۶۰۰ نفر در مسجد سلیمان مشغول بکار هستند. این کارگران حقوق ماههای شهریور ـ مهرماه و آبانماه را دریافت نکرده اند و هر ماه پیمانکار به جای پرداخت حقوق ، ۳ هزار تومان بصورت مساعده به کارگران پرداخت نموده و پرداخت حقوق کامل را به ماه بعد موکول می کرد.

کارگران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود بعد از چندین بار تذکر به مسئولین و روسای شرکت نفت شروع به کم کاری کرده و روزی ٤ ساعت کمتر از معمول کار می کردند. تا اینکه روزی یکی از کارگران کارخانه متوجه می شود که پیمانکار در حال تهیه لیستی از کارگرانی است که دست به کم کاری زده اندو وقتی این خبر در میان کارگران پخش شد همه آنان قرار می گذارند تا جهت اعتراض روز سوم آبان تجمع کنند.

اعتراضی احساس خطر کردند رئیس شرکت قول داد که ظرف یك هفته تمامی حقوق عقب افتاده کارگران را پرداخت کرده و به مشکلات آنان رسیدگی خواهد کرد.

شایان ذکر است که حمایت وهمبستگی کارگران پیمانی مسجد سلیمان تاثیربسزایی در موفقیت حرکت اعتراضی کارگران داشت و باعث گردید که نیروهای انتظامی نتوانند جهت سرکوب مبارزات کارگران وارد عمل شوند.

تجمع اعتراضی ۱۶۰۰ کارگر نفت جنوب

ازصفحه ۱

در حین تجمع اعتراضی کارگران در اهواز، صحبت هایی از سوی آنها در باره وضعیت و مشکلاتشان بیان شد. تجمع و گفتگو کارگران با تهدید پیمانکار شرکت و روابط عمومی این شرکت (بخش حفاظت که مسلح هستند) روبرو شد. کارگران علیه تهدید عناصر یاد شده اعتراض کردند که این اعتراض موجب درگیریهای لفظی و مشاجراتی شد. اما حفاظت قادر به پراکنده ساختن کارگران نشد. در این میان کارکنان شرکت نفت از کارگران حمایت کردند . بالاخره مسئول اول شرکت نفت در اهواز در میان اجتماع کنندگان حاضر شد و به گفتگو با آنان پرداخت، وی ضمن دادن وعده ووعید به کارگران درمقابل خواسته های آنان جهت حل مسائل مالی از کارکران خواست تا سرکار خود بروند و گفت که در غیر اینصورت مامورین انتظامی با آنان برخورد خواهند کرد. بلافاصله بعد از این سخنان مسئول اول شرکت نفت ، فریادی از میان اجتماع کنندگان برخاست که : ما آمده ایم اینجا جمع شویم و بگوئیم کودکان ما گرسنه هستند و چطور آنها را سیر کنیم آنوقت شما می خواهید با سرب شکم آنان را پر کنید !

در همین زمان ضمن اعتراض به شرایط کار ، یکی از حاضرین از میان جمعیت گفت : شرکت نفت دست پیمانکار را باز گذاشته که هر چه دلش می خواهد در جهت منافع خودش انجام دهد و شیره جان کارگران را بگیرد. پیمانکار از کارگران روزی ۱۳ ساعت کار می کشد و روزی ۸ ساعت دستمزد میدهد و علاوه بر آن از لباس کار و دستکش و کفش ایمنی و . . . هم خبری نیست . وی گفت شرکت نفت با این کار پیمانکار راجلو انداخته و جوابی به خواسته های کارگران نمیدهد.

وقتی که مسئولین شرکت متوجه عمق اعتراض کارگران و بویژه حمایت کارکنان نفت شدند و از احتمال گسترش حرکت

www.iran-archive.com

مبارزه کارگران لوله سازی اهواز با مطالبه تشکل، ارگانهای دولتی و مدیریت را به وحشت انداخت

بدنبال شعار نویسی هایی که در قسمتهای مختلف کارخانه لوله سازی اهواز صورت گرفته بود، ارگانهای سرکوب کارخانه به همراه مدیریت تدابیر مختلفی را جهت شناسائی کارگران مبارز و خنثی کردن مبارزه آنها جهت دستیابی به تشکل مستقل خودشان بکار گرفتند.

شعار نویسی روی قسمتهای مختلف کارخانه لوله سازی اهواز با توجه به روحیه اعتراضی کارگران و طرح خواسته های مختلفشان بویژه طرح و بیان مطالبات کارگران پیمانی ارگانهای دولتی و مدیر عامل کارخانه را به هراس انداخته است .

ـ کارگران متحد شوید !

ـ کارگر تشکل حق توست بپا خیز!

از جمله شعارهای نوشته شده بودند، در پی این شعارنویسی ها، مدیر عامل کارخانه لوله سازی اهواز یك سخنرانی یك ساعته برای کارگران ترتیب داد. وی در این سخنرانی بطور غیر مستقیم اعلام کرد که کارگران اگر تشکل میخواهند باید با اجازه وزارت اطلاعات باشد و سپس اضافه نمود که ما چنین اجازه ای نداریم که بگذاریم کارگران تشکل ایجاد کنند.

فردای آنروز تعدادی از افراد سپاه پاسداران مبدل به لباس کارگری به همراه تعدادی از روابط عمومی کارخانه که بیشتر حزب الهی و وابسته به اطلاعات رژیم هستند در قسمتهای مختلف کارخانه نگهبانی می دادند و عبور و مرور و حرکات کارگران را تحت نظر داشتند و برخی از کارگران را بازدید بدنی میکردند. بقول کارگران حکومت نظامی شده بود و همه می خواستند ببینند قضیه چیست و چه اتفاقی افتاده است ، پس از ۴۸ ساعت که کنترل و بازدید به پایان رسید ماموران رژیم دو تن از کارگران را که سرکار حاضر نشده بودند برای بازجوئی به مقر سپاه پاسداران برده و آنان را تحت فشار قرار دادند. هدف اصلی مزدوران اطلاعاتی رژیم این بود که کارگرانی را که شعار نوشته بودند شناسائی کنند. آنان در عین حال مایل بودند بدانند که کارگران چه تشکلی می خواهند. در پی وضعیتی که در این کارخانه بوجود آمده عناصر انجمن اسلامی کارخانه با همکاری مدیریت آغاز به تدارك و برپائی شورای اسلامی کارخانه کرده اند و شعارهایی نیزدر این زمینه در درو دیوارهای کارخانه وجنب دراصلی آن نوشته اند وتلاش می کنند تا خواست ایجاد شوراهای اسلامی کارخانه را در میان کارگران مطرح کرده و مبارزه آنان را برای دست یابی به تشکل مستقل خودشان به بیراهه بکشانند. اما این اقدامات با بی تفاوتی کارگران روبرو گشته است .

در یك جلسه عمومی که در کارخانه برگزار شد، کارگران با طرح تشکیل شورای اسلامی که بوسیله انجمنی ها بیان شده بود مخالفت کردند اما مدیریت با حمایت از برپائی شورا سعی در تقویت این تلاش عوامل رژیم میکرد.

بعد از این واقعه مجددا شعارنویسی هایی در کارخانه نوشته شد که برخی از آنها عبارت بودند از :

ـ رفسنجانی ، بازاری کارخانه ها را ول کن !

ـ رفسنجانی ، انجمن اسلامی و مدیر کارخانه سه نوکر اجنبی

ـ انجمن اسلامی نوکر . . . !

کارخانه لوله سازی اهواز و وضعیت کارگران پیمانی

دنباله ازصفحه ۱

معمولا به اجزاء مختلفی تحت عناوین گوناگونی که به اصطلاح مزایا نام گرفته اند تقسیم شده است کارگران پیمانی از دریافت حقوق کامل خودشان محروم هستند. چرا که بخشهائی از این حقوق تحت عناوین : حق ایاب و ذهاب ـ ساعت نهار خوری ، حق استفاده از فروشگاههای شرکت ، حق استفاده از سالن غذاخوری و . . . به آنان تعلق نمی گیرد.

نظر به اینکه یکی از اهداف سرمایه داران و دولت آنها در بکارگیری این شیوه ، یعنی اشتغال غیر رسمی و پیمانی کارگران ، ایجاد تفرقه و رقابت در میان کارگران از طریق ایجاد تفاوت در سطح دریافتی ها و شرایط کار است . کارگران لوله سازی اهواز با مبارزه جهت دستیابی به تشکل کارگری سعی در خنثی کردن این تلاش مدیریت و ارگانهای دولتی کارخانه می کنند.

کمك مالی دریافت شده

یکی از رفقای کارگر آلمانی مبلغ ۳۵۰ مارك جهت حمایت از صندوق تعاون کارگر تبعیدی در اختیار انجمن قرار داد.

کمك مالی پرداختی

طی سه ماه اخیر مبلغ ۸۰۰ مارك از سوی انجمن جهت کمك به پناهندگان و کارگران ایرانی در ترکیه ارسال شد.

www.iran-archive.com

از تجارب جنبش های کارگری کشورهای دیگر بیاموزیم !

نمونه لهستان

دنباله ازصفحه ٤

بردارد که باید آنها را شناخت و به خوبی به خاطر سپرد. این موضوع انگیزه ای شد برای نوشتن مقاله حاضر و معرفی یکی از مهمترین و اموزنده ترین مقاطع تاریخ معاصر لهستان .

طبقه کارگر لهستان دارای یکی از با سابقه ترین سنت های مبارزاتی در جهان است . تظاهرات و اعتصابات کارگران ورشووشهرهای مختلف لهستان روسیه درسال ۱۹۰٤ ، جنگ های خیابانی و تصرف شهر لودز توسط کارگران در سال ۱۹۰۵، قیام کارگران پوزنان در سال ۱۹۵٦ و تشکیل شوراهای مستقل کارگری در سالهای ۵۷ـ۱۹۵٦ ، اعتصابات و مبارزات کارگری در سالهای ۷۱ـ۱۹۷۰ و ۱۹۷٦ و بالاخره مبارزات سالهای ۸۱ـ۱۹۸۰ و تشکیل اتحادیه همبستگی ، گوشه هایی از تاریخ پر بار جنبش کارگری لهستان است .

در این میان مبارزات سالهای ۸۱ـ۱۹۸۰ازاهمیت ویژه ای برخوردار است و درسهای زیادی برای ما در بردارد. اولا برای اولین بار از زمان پیدایش بلوك شرق ، کارگران توانستند با اعتصابات و مبارزاتشان در یکی از کشورهای متعلق به این بلوك ، اتحادیه های آزاد خود را بوجود بیاورند و به دولت تحمیل کنند. آگاهی از چگونگی پا گرفتن و رشد اتحادیه های مستقل در لهستان بخصوص اکنون که بحث ایجاد تشکل های مستقل کارگری در محافل کارگران پیشرو مطرح است ، اهمیت زیادی دارد. ثانیا اتحادیه همبستگی علی رغم نقاط قوتش ، محدودیت ها و ضعف های مهمی داشت که آن را در مقابل دولت و مدیریت کارخانه ها آسیب پذیر می کرد. شناخت از این ضعف ها برای امر ایجاد و بخصوص حفظ تشکل های مستقل کارگری ، بسیار مهم است. ثالثا در طول سال ۱۹۸۱ به تدریج جنبش خودگردانی کارگری با طیفی از نظریه پردازان و مبلغین آن پا گرفت . اطلاع از بحث ها و طرح های پیشنهادی، ضعف ها و قوت های این جنبش نیز برای کسانی که خواستار قدرت گیری کارگران و ارگانهای خودگردان آنان ـ و نه حزب ، سازمان و فرقه خود ـ هستند، بسیار آموزنده است .

مقاله حاضر که در چند شماره نشریه کارگر تبعیدی به چاپ می رسد، از چهار بخش اصلی تشکیل شده است .

دو بخش اول پروسه تشکیل و فعالیت کمیته های نیمه مخفی موسس اتحادیه های آزاد در سالهای ۷۹ـ۱۹۷۸ و به دنبال آن ایجاد اتحادیه همبستگی در سال ۱۹۸۰ بررسی می شود. در اینجا کوشش گردیده بیشتر به فعالیت ها و ابتکارات مستقل کارگران در تشکل های نیمه مخفی و تحت حاکمیت دولت سرکوبگر ، پرداخته و نشان داده شود که چگونه اتحادیه همبستگی با میلیونها عضو ، از دل مبارزات گسترده کارگری بیرون آمد.

در بخش دوم نگاهی می اندازیم به رویدادهای مهم تاریخی در ارتباط با جنش کارگری و اتحادیه همبستگی در دوره پر تلاطم سپتامبر ۱۹۸۰ تا کودتای ژنرال یاروزلسکی در دسامبر سال ۱۹۸۱ . یکی از مسائل محوری در این بخش این است که چه مکانیزم ها و روش های عملی بر اتحادیه همبستگی حاکم بود که بخشا مانع مبارزات توده کارگران می شد و چرا اتحادیه همبستگی نتوانست در مقابل کودتای یاروزلسکی مقاومت کند.

در بخش سوم به مهمترین مسائل مربوط به جنبش خودگردانی و همچنین معرفی دوگرایش اصلی در این جنبش ، راه حل ها و طرح های عملی این دوگرایش پرداخته می شود.

و بالاخره موضوع بخش آخر مقایسه چند ویژگی جنبش خودگردانی لهستان با تجربیات شوراهای کارگری در ایران و همچنین تجربیات جنبش های مشابه در چند کشور دیگر است .

برای این شماره قسمتی از بخش اول مقاله منتشر می شود.

شکل گیری کمیته های موسس اتحادیه های آزاد(۱)

قبل از آنکه به موضوع شکل گیری هسته های اولیه اتحادیه های آزاد بپردازم ، بهتر است اشاره ای بکنم به فعالیت کمیته دفاع از کارگران (KOR) .

همانطور که اطلاع داریم ، دولت لهستان سرانجام ناگزیر شد در مقابل اعتصابات گسترده ژوئن ۱۹۷٦ عقب نشینی کند و اطلاعیه خود دایر بر افزایش قیمت ها را پس بگیرد. اما پس از این عقب نشینی ، دولت بازداشت و اخراج اعتصابیون و رهبران کارگران را در دستور کار خود قرار داد. در ظرف چند روز صدها کارگر دستگیر و هزاران تن به خاطر فعالیت در کارخانه ها قبل و در طی اعتصابات ژوئن ، اخراج شدند.(به نقل از: ساخت اقتصادی و جنبش کارگری لهستان ـ صفحات ۸۷ـ ۸٦) ماموران پلیس و زندانبانان در موارد زیادی با دستگیرشدگان با بیرحمی و وحشیگری رفتار کردند. سرانجام یك سلسله محاکمات علنی و غیر علنی علیه دستگیرشدگان ترتیب داده شد. در این محاکمات تظاهرکنندگان کارخانه های اورسوس و رادوم به چندین سال جبس محکوم شدند. پیترگرین در این باره می نویسد :

«حکم صادره در مورد آنها که به جرم شرکت در آشوبها

www.iran-archive.com

محاکمه شده بودند، بین سه تا ده سال زندان بود. چنین به نظر می رسد که پلیس لهستان در مورد دستگیرشدگان از همان روشی استفاده می کرد که مسئولین زندانهای انگلیس در مورد دستگیرشدگان جمهوری خواه . آنها دستگیرشدگان را وادار می کردند از میان صفوف پلیس هایی عبور کنند، که با باتوم آنها را مورد حمله قرار می دادند. این شیوه در لهستان به نام مسیربهداشتی معروف شده بود.»(منبع قبلی _ ص ۸۷)

اما این بار برخلاف سالهای ۷۱_۱۹۷۰ ، روشنفکران کارگران را در مقابل حملات سرکوبگرانه دولت تنها نگذاشتند(۲). بلافاصله پس از اعتصابات ژوئن ، بیانیه هایی با امضای تعدادی از روشنفکران منتشر شد که در آنها سرکوب کارگران محکوم می شد. در ۱۷ ژوئیه ، در جریان محاکمه کارگران تراکتور سازی اورسوس در ورشو، تعدادی از تحصیلکردگان و روشنفکران معترض به دور هم جمع شدند و تصمیم به ایجاد کمیته ای به نام کمیته دفاع از کارگران گرفتند. این کمیته در آغاز ۱٤ عضو داشت و بعدا به تعداد اعضایش اضافه شد. چهار تن از اعضای موسس کمیته مذکور یاسك کورون ، آدام میشنیك ، یاکوب کارپینسکی و یوزف لیپسکی بودند.

هدف اولیه آن عبارت بود از : حمایت حقوقی از کارگران دستگیر شده _ بویژه کارگران کارخانه های اورسوس و رادوم _ جلب حمایت مردم از قربانیان سرکوب ژوئن و ژوئیه و تلاش برای بازگشت کارگران اخراجی به سر کارهایشان .

در ظرف چند ماه بخش نسبتا وسیعی از مردم _ بویژه روشنفکران و دانشجویان _ ز اعتراض KOR علیه پیگرد کارگران حمایت کردند و همین اعتراضات در عقب نشینی دولت تاثیر به سزایی داشت . سرانجام در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۷ شورای دولت برای تمامی کارگران کارخانه های اورسوس و رادوم که محاکمه و محکوم شده بودند، اعلام عفو عمومی کرد. البته بسیاری از کارگران به بهانه بر هم زدن نظم اخراج شدندو غرامتی هم به کسانی که مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفته بودند، داده نشد. با اینحال با فرمان عفو عمومی و عقب نشینی دولت ، کمیته دفاع از کارگران (KOR) به مهمترین بخش از اهداف اولیه اش رسید. اینك لازم بود اعضای این کمیته برای نحوه فعالیت آینده شان تصمیم بگیرند.

در ۲۹ سپتامبر ۱۹۷٦ این کمیته به کمیته دفاع از خود اجتماعی تغییر نام داد. این تنها یك تغییر نام ساده نبودبلکه اعضای KOR در عین حال کوشیدند اهداف اولیه شان را باز تعریف نموده و چشم انداز فعالیت خود را به عنوان یك تشکل ادامه کار ، روشن کنند. آنان اینك مبارزه علیه سرکوب سیاسی و نژادی ، سرکوب علیه معتقدین جهان بینی ها و مذاهب دیگر، کمك به تحت تعقیب ها، کمك برای تضمین و نهادی شدن حقوق و آزادیهای انسانی و حمایت از مبارزات اجتماعی را در دستور کار خود گذاشتند. در عین حال کار در محافل کارگری و حمایت از مبارزات کارگران جزء لاینفك فعالیتش باقی ماند.

از سپتامبر ۱۹۷۷ روشنفکران چپی که به دورKOR گرد آمده بودند مبادرت به انتشار نشریه روبوتنیك (کارگر) کردند. روبوتنیك گرایش سوسیالیستی داشت و در آن از جمله در باره اخبار اعتراضات و شرایط کارخانه ها ، حقوق کارگران و ضرورت آزادیهای دمکراتیك و حقوق انسانی بحث می شد. این نشریه یك یا دوبار در ماه منتشر می شد و تا اوت ۱۹۸۰ ، ٦۰ شماره از آن انتشار یافت . تیراژ آن در ابتدا ٤۰۰ نسخه بود و به مرور به چند هزار رسید. در اوت ۱۹۸۰ تیراژ آن به ۷۰ هزار نسخه بالغ می شد.

از اوایل سال ۱۹۷۹ تعدادی از کارگران نیز عضو هیئت تحریریه روبوتنیك بودند. با اینحال KOR اساسا توانسته بود روشنفکران را متشکل کند ونه کارگران را.KOR پشت جبهه ای قابل اتکاء برای مبارزات و اعتصابات کارگری بود، به کارگران اعتصابی و اخراجی کمك می رساند و با طرح بحث ها و مبادله اطلاعات و ارائه پیشنهادات جدید برای پیشبرد مبارزات بر محافل و رهبران کارگری تاثیر می گذاشت . اما نقش هدایت وسازماندهی مستقیم مبارزات کارگری را نداشت (۳).

تا آنجا که به موضوع مورد نظر ما یعنی تشکیل اتحادیه های آزاد مربوط می شود، هیئت تحریریه روبوتنیك نسبت به امکان تشکیل اتحادیه های آزاد در آن شرایط بسیار تردیدداشت و بیشتر توصیه می کرد که کارگران در اتحادیه های رسمی وفرمایشی به دخالتگری فعال بپردازندتشکیل اتحادیه های آزاد برای روبوتنیك یك امر دراز مدت بود و به طور بلاواسطه در دستور روز قرار نداشت .

اما تعدادی از کارگران مبارز که تجربه اعتصابات سالهای ۷۱_۱۹۷۰ و ۱۹۷٦ را پشت سر داشتند، گرایش دیگری را نمایندگی می کردند. آنان تصمیم گرفتند تشکیل اتحادیه های آزاد را در صدر اهداف خود قرار دهند. این کارگران اگر چه با گروههای اپوزیسیون _ از جمله با KOR _ ارتباط داشتند و همکاری می کردند، اما در امر تشکیل کمیته های موسس اتحادیه های آزاد از استقلال نسبی برخوردار بودند.

در همین جا بد نیست اشاره شود که این دو نوع برخورد نسبت به اتحادیه های فرمایشی در لهستان _ یعنی یکی برخوردی که اساس کار را در فعالیت در این اتحادیه ها قرار می داد و دیگری آنکه در جهت ایجاد تشکل های مستقل کارگری می کوشید_ مخصوص این کشور نیست و در کشورهای دیگر نیز این دو گرایش وجود داشته و دارد. در ایران حزب توده

www.iran-archive.com

از مدافعین سرسخت فعالیت انجمن ها و در شوراهای اسلامی ـ که از اتحادیه های فرمایشی در لهستان به مراتب بدتر و رسما ارگانهای جاسوسی و سرکوب رژیم هستند ـ بود. در حالیکه کارگران مبارز و پیشرو فعالیت هایشان را در خارج از ساختار انجمن ها و شوراهای اسلامی به پیش برده و اعتصابات و مبارزات کارگری را سازماندهی کرده و می کنند.

در آلمان نازی پس از آنکه اتحادیه ها غیر قانونی اعلام شدند، بخشی از اعضای سابق اتحادیه ها در «جبهه ملی کار» فعالیت کردند. «جبهه ملی کار» تشکلی بود که توسط نازی ها، برای کنترل و سرکوب جنبش کارگری ایجاد شده بود و از لحاظ شیوه های کار و موازین حاکم بر آن تا حدود زیادی شبیه شوراهای اسلامی در ایران بود. در همان زمان فعالین رادیکال تر اتحادیه ها به مبارزه در تشکل های مخفی خود و یا در تبعید، بر علیه فاشیسم ادامه می دادند و زمینه را برای ایجاد اتحادیه های مستقل از دولت و کارفرمایان فراهم می کردند.

به دنباله مطلب بازگردیم . اولین کمیته موسس اتحادیه های آزاد در کاتوویتس و به ابتکار کازیمیرسویتون بوجود آمد. سویتون مکانیک بود و با کمیته دفاع از حقوق بشر همکاری می کرد. کمیته موسس اتحادیه های آزاد در کاتوویتس که در مارس ۱۹۷۸ بوجود آمد، کوشید مناطق سیلزی و دومبروا را زیر پوشش خود بگیرد. فرد دیگری که در این کمیته نقش مهمی داشت ، سولکی نام داشت که با KOR کار می کرد.

دولت اقدامات شدیدی علیه این کمیته صورت داد. سویتون از اکتبر ۱۹۷۸ تا مارس ۱۹۷۹ دستگیر شد و سولکی در اوایل سال ۱۹۷۹ مجبور به مهاجرت گردید. دولت تمامی کسانی را که با این دو تن تماس برقرار می کردند، تهدید به مجازات نمود. بدین ترتیب فعالیت کمیته مذکور لطمات شدیدی خورد و عملا نتوانست کار زیادی از پیش ببرد.

با اینحال تشکیل کمیته موسس اتحادیه های آزاد در کاتوویتس نقطه عطفی بود و به زودی سرمشقی شد برای محافل کارگری کدانسک . در ۲۹ آوریل ۱۹۷۸ در گدانسک نیز کمیته موسس اتحادیه های آزاد تشکیل شد که اکثریت اعضای آن را کارگران تشکیل می دادند. از جمله موسسین این گروه عبارت بودند از : آندره ی و یوانا گویازدا که زن و شوهر بودند و برادران کریشتف و بلازیه ویشکوفسکی . بعد از مدتی آلیناپاینکوفسکا، لخ والسا و آناوالنتینویچ نیز به این کمیته پیوستند (٤).

در گدانسک نیز اقدامات سرکوبگرانه دولت بر علیه فعالین اتحادیه ای اعمال می شد، و زندان ، آزار و اذیت و جرایم نقدی و اخراج در انتظار این فعالین بود.(۵) با اینحال شرایط فعالیت اتحادیه ای در این شهر بهتر از سیلزی بود. زیرا اولا در گدانسک گروههای اپوزیسیون رابطه نزدیک تری با محافل کارگری داشتند و از آنان حمایت فعال می کردند. ثانیا تجربیات مبارزات سالهای ۷۱ـ۱۹۷۰ در اذهان کارگران گدانسک زنده تر از کارگران سیلزی بود و بالاخره تعدادی از رهبران کارگران که در کارخانه های بزرگ از محبوبیت برخوردار بودند، به این کمیته پیوستند. از جمله این رهبران عبارت بودند از : آناوالنتینویچ که در کشتی سازی لنین در گدانسک کار می کرد، گویازدا ، پاینکوفسکاولیس که در کارخانه المور کار می کردند و لخ والسا که در کشتی سازی لنین شاغل بود و پس از اخراج در کارخانه الکترومونتاژ استخدام شد.

کمیته مذکور مراسم سالگرد قربانیان دسامبر ۱۹۷۰ را برگزار می کرد. قبل از تشکیل این کمیته یعنی در ۱۹۷۷، ۱۰۰۰ تن در سالگرد مذکور در جلوی درب دوم کارخانه کشتی سازی لنین ـ جایی که در دسامبر ۱۹۷۰ تعدادی از کارگران توسط نیروهای دولت به قتل رسیدند ـ اجتماع کردند. در سال ۱۹۷۸ تعداد شرکت کنندگان در این مراسم به ۳۵۰۰ تن و در ۱۹۷۹ به ٤۰۰۰ تن رسید.

کمیته موسس اتحادیه های آزاد گدانسک و اعضای آن همچنین در تعدادی از اعتصابات آن دوره شرکت داشتند. در سال ۱۹۷۹ ، پس از آنکه آندره ی گویازدا دستگیر شد، کارگران کارخانه المور تهدید به اعتصاب کردند. این امر باعث آزادی گویازدا شد. در کشتی سازی لنین نیز اعتصابات کوتاه مدتی در اعتراض به دستگیری شرکت کنندگان در مراسم نهمین سالگرد قربانیان دسامبر ۱۹۷۰ ، صورت گرفت . در ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹ کارگران آن قسمت از کشتی سازی لنین که آناوالنتینویچ در آن کار می کرد با اعتراضات خود، مدیریت را به عقب نشینی واداشتند. مدیریت قصد داشت آناوالنتینویچ را به بخشی خارج از کشتی سازی منتقل کند. اما در کارخانه الکترومونتاژ اعتراضات به شکست انجامید. در اینجا مدیریت لخ والسا را به جرم توزیع ادبیات زیرزمینی اخراج کرد. به دنبال این امر یک کمیسیون کارگری برای تدارک اعتصاب در کارخانه تشکیل شد. اما به زودی دیگر فعالین اتحادیه ای در الکترومونتاژ دستگیر شدند و اعتراضات عقیم ماندند.

در اکتبر ۱۹۷۹ کمیته موسس اتحادیه های آزاد در پومرن تشکیل شد. این کمیته یکی از وظایف اصلی خود را توزیع نوشته ها تلقی می کرد. کمیته مذکور از مارس ۱۹۸۰ نشریه کارکر شچسین را منتشر می کرد. اما از نظر فعالیت عملی توانایی آن کمتر از کمیته موسس گدانسک بود.

فعالین اتحادیه های آزاد در گدانسک نیز به مناسبت های مختلف اعلامیه هایی صادر می کردند و نشریه کارکر

www.iranarchive.com

(روبوتنیك) را توزیع می نمودند. از اوت ۱۹۷۸ نشریه «کارگر ساحل » منتشر شد. سردبیری آن را یواناگویازوا بر عهده داشت. این نشریه نیز توسط کمیته موسس اتحادیه های آزاد توزیع می گردید. به علاوه آنها دوره های آموزشی ای سازماندهی می کردند که در آنها به تدریج در حدود ۲۰۰ تن از علاقمندان که اکثرشان کارگر بودند، شرکت می کردند. با اینحال رهبران کارگران در زمینه مطالعه ، نوشتن مطالب و فعالیت نظری کم کاری می کردند و فعالیت هایشان در زمینه های عملی بسیار بیشتر بود. آندره ی گویا زدا ، از بنیانگزاران KOR و از اعضای کمیته موسس اتحادیه های آزاد گدانسك که مهندس بود، در این باره می نویسد:

«آرزوی ما اینست که همکارانمان احتیاج نداشته باشند مدت زیادی دست شانرا بگیریم ، بلکه سریعا خود مختار شوند و فعالانه در محافل پرسنل موسسه ها مداخله کنند . . . لخ ((والسا)) در این محافل شرکت می کرد...

سعی کردیم قرائت چند جلد کتاب را به او توصیه کنیم ، بویژه آثار فلوریان زنانیکی ، جامعه شناس ، و چیزی در زمینه اقتصاد: او علاقه ویژه ای نشان نداد.

ما هرگز موفق نشدیم او را به نوشتن وادار کنیم . در حقیقت ، وعده های ادبی او، در آن هنگام به نگارش شرح حالش خلاصه می شد. راست است که دیگران هم چیزی نمی نوشتند. در این زمینه ، آناوالنتینویچ بیشتر از دیگران برای ما موجب شگفتی شد. ما هرگز زیاد به او اتکایی نداشتیم ، زیرا می دانستیم که تحصیلاتش به دوره سوادآموزی اکابر محدود می شد. بعد از دودلی های زیاد، او نخستین مقاله خود را نوشت . به او می گفتیم : «آنا، نترس ، ما نوشته ات را اصلاح خواهیم کرد.»

به خاطر دارم که به جنگل رفتیم و شروع به خواندن نوشته او کردیم ، اما متن او آنقدر روشن بود که نیازی به هیچگونه تغییر نداشت . . .» (راه امید ـ ص ۱۷۵)

در مجموع می توان گفت که کمیته های موسس اتحادیه های آزاد که در سالهای ۷۹ـ۱۹۷۸ در چند نقطه لهستان بوجود آمدند ، تشکل های کوچك و نیمه مخفی ای بودند که اکثریت اعضایشان را رهبران کارگران و یا کارگران مساعدتر برای این فعالیت تشکیل می دادند. این تشکل ها به فراخور توانایی ها و امکاناتشان فعالیت هایی را علیه جو سرکوب در درون کارخانه ها ، بی حقوقی کارگران ، تبلیغ ضرورت اتحادیه های آزاد، توزیع نشریات و اعلامیه های انتقادی ، گرامیداشت قربانیان دسامبر ۱۹۷۰ و . . . انجام می دادند. اما این فعالیت ها در سطح محدودی صورت می گرفت . دستگیریها، اخراج ها و اقدامات ایذایی دولت و مدیریت کارخانه ها از یك طرف و عدم وجود یك جنبش گسترده اعتراضی از سوی کارگران از طرف دیگر اجازه دامنه دارتر شدن این فعالیت ها را نمی داد.

با این حال نفس تشکیل این کمیته ها نقطه عطفی در مبارزات مابین اعتصابات ژوئن ۱۹۷۶ و ژوئیه ۱۹۸۰ به بعد بود. فعالیت این کمیته ها و روابطی که رهبران کارگران در درون آنان با یکدیگر برقرار کرده بودند، از جمله عوامل مهمی بودند که باعث شدند پس از شروع اعتصابات سال ۱۹۸۰ ، اتحادیه سراسری همبستگی تنها درظرف چند هفته بوجود بیاید.

نکته آموزنده دیگر در این رابطه اینست که کمیته های مذکور در تقابل با اتحادیه های فرمایشی و رسمی شکل گرفتند. به عبارت دیگر رهبران کارگران به خوبی دریافته بودند که برای آماده کردن زمینه های شکل گیری اتحادیه های آزاد احتیاج به ایجاد روابط و تشکل های مستقل خود در خارج از ساختار اتحادیه های فرمایشی دارند. آنان به تجربه می دانستند که اتحادیه های فرمایشی حکم تسمه انتقال تصمیمات حزب حاکم به توده کارگران را داشتند. نهادهایی که کارگران را به تحمل فشار بیشتر و عدم اعتراض مستقل به بی حقوقی شان وامی داشتند.

ناصر سعیدی

یادداشت ها :

۱ـ اطلاعات تاریخی این بخش جز در موارد ذکر شده ، از صفحات ۸۳ تا ۱۰۹ کتاب زیر اقتباس شده است :

Jerzy Holzer, Solidarität'-Die Geschichte einer Freien Gewerkschaft in Polen, München, 1985

نویسنده کتاب یك مورخ لهستانی است که با اتحادیه همبستگی همکاری داشته و مدتی نیز تحت تعقیب دولت لهستان بوده است . وی این کتاب را از ژوئیه تا مه ۱۹۸۳ نگاشته است . وی از دسامبر ۱۹۸۱ تا مه ۱۹۸۲ در حبس بوده است .

۲ـ باید در نظر داشت که در کشورهای «بلوك شرق » سابق ـ از جمله در لهستان ـ اختلاف سطح در آمد ، موقعیت اجتماعی و شیوه زندگی روشنفکران با کارگران بسیار کمتر از این اختلاف در مقایسه با کشورهای اروپای غربی و آمریکا بود. ملانی در تاتور در اثر تحقیقی خود به نام :

Solidarność als Modernisierungsbewegung-Sozialstruktur und Konflikt in Polen

متذکر می شود که در لهستان طبق آمار رسمی در سال ۱۹۷۴ متوسط دستمزد یك کارگر بالغ بر ۷۰/۷۷ درصد متوسط حقوق

www.iran-archive.com

یك مهندس می شد. در اواخر سالهای ۷۰ ، ۸۰ـ۶۰ درصد شاغلین در لهستان را یك قشر میانی شامل کارگران ماهر، کارگران با درآمد متوسط و متخصصین دارای مدارك تحصیلی بسیار بالا که در مشاغل آکادمیك کار می کردند، تشکیل می دادند. سه گروه اجتماعی فوق از نظر میزان در آمد وتا حدودی نیز شیوه زندگی شباهت های زیادی به یکدیگر داشتند.

ضمن اینکه بخشی از تحصیلکرده ها ـ از جمله معلمین و کارمندان جزء ـ در لهستان جزو اقشار کم در آمد به حساب می آیند.

این نزدیکی سطح زندگی و درآمد بخش قابل ملاحظه ای از متخصصین و تحصیلکرده ها با کارگران ـ بخصوص با کارگران ماهر ـ زمینه مادی ای بود برای پیوند و احساس درك متقابل روشنفکران و کارگران .

۳ـ درسالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ جریانات روشنفکری دیگری نیز به وجود آمدند که از جمله عبارت بودند از : تفاهم لهستانی برای استقلال ، کمیته دفاع از حقوق بشر، نهضت لهستان جوان ، کنفدراسیون برای استقلال لهستان و جامعه آموزشهای علمی.امااز آنجا که این جریانات نسبت به KOR تاثیر بسیار کمتری بر جنبش کارگری داشتند، از توضیح سابقه و فعالیت تك تك آنها خودداری می کنم . برای اطلاع اولیه از فعالیت و اهداف این جریانات رجوع کنید به صفحات ۸۷ ـ۸۵

و ۱۰۱ـ ۹۷ منبع زیر :

Solidarität'-Die Geschichte einer Freien ...

ذکر این نکته نیز لازم است که اکثر اعضای KOR و جریانات روشنفکری دیگر ، پس از تشکیل اتحادیه همبستگی به عنوان همکار یا کارشناس در همبستگی به فعالیت پرداختند.

٤ـ بنابراین تشکیل کمیته موسس اتحادیه های آزاد در گدانسك به ابتکار لخ والسا نبود. وی بعدا به آن پیوست والسا در صفحه ۱۵۷ کتاب «راه امید» در این باره می نویسد «موقعی که اعلامیه ایجاد سندیکاهای آزاد در گدانسك تدوین شد، من آنجا نبودم . افراد دیگری بودند و به این ترتیب ترجمان آن چیزهایی شدند که الهام بخش تفکرات بسیاری از ما بود. وانگهی فکر واحد، در مناطق مختلف لهستان ، راه خود را طی کرده بود: کازیمیرسویتون و دوستانش نخستین سندیکاهای آزاد را در منطقه صنعتی سیلزی تشکیل داده بودند.»

۵ـ هنگامی که از سرکوب فعالین کارگری در لهستان صحبت می کنیم ، باید توجه داشته باشیم که ابعادو شیوه های این سرکوب با نسل کشی و توحش مثلا رژیم جمهوری اسلامی قابل مقایسه نبود. به عنوان مثال درطی سالهای ۷۶ـ۱۹۷۰ حتی یك نمونه اعدام فعالین کارگری یا اعضای جریانات اپوزیسیون گزارش نشده است .

موازین چاپ مطالب در کارگر تبعیدی

* کارگر تبعیدی نشریه انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی ، زیر نظر هیئت تحریریه و با همکاری تمامی اعضاء و دوستداران انجمن منتشر میشود.

* کارگر تبعیدی از هرگونه مطلبی حول جنبش کارگری استقبال می کند. بنابراین علاوه بر نوشته های اعضای انجمن از خارج آن نیز مقاله می پذیرد.

* کارگر تبعیدی در قبول و یا رد مطالب و ویرایش آنها مجاز است .

* مطالبی برای چاپ در کارگر تبعیدی از اولویت برخوردارند که منحصرا برای آن ارسال شده باشند. بنابراین علاقمندانی که قصد دارند ، مطلب خود را به جز کارگر تبعیدی در اختیار نشریات و. . . دیگری قرار دهند، حتما ما را در جریان بگذارند.

* کارگر تبعیدی در تلخیص مطالب آزاد است و اگر نمیخواهید مقاله یا گزارش شما خلاصه شود، حتما آن را قید کنید.

* چاپ مطالب در نشریه لزوما به معنی تایید مضمون آنها از جانب انجمن نیست ، مسئولیت نظرات و مندرجات هر مقاله با نویسنده ، نویسندگان یا مترجم آن است .

* مقالات و گزارشات ارسالی باید حتما امضاء داشته باشند.

* مقالات و نوشته های هر واحدی ، با نام و مسئولیت همان واحد در نشریه به چاپ می رسد.

* تنها مطالبی که با امضای هیئت هماهنگی و یا انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی (بدون ذکر نام واحد) در نشریه به چاپ می رسند، بیانگر نظر رسمی و مورد تایید کلیه انجمن می باشد.

* نظرات مسئولین نشریه با امضای هیئت تحریریه به چاپ خواهد رسید.

هیئت تحریریه

www.iran-archive.com

اخبار کارگری ایران

گردآوری و تنظیم : جلیل محمودی

مطابق با ماده ۲۷ کارگر را رسمااخراج می کنند!

اخیرا سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی طرحی را جهت تغییر قانون کار جمهوری اسلامی تهیه کرده است . خانه کارگر جمهوری اسلامی (از تکرار مداوم این اسم که بابت ملال خاطر خواننده عزیز میشود، پوزش می خواهم . اما چه میشود کرد برای نشان دادن واقعیت آنها به ناچار بایستی اسم کامل شان نیز قید شود.)، اکسیونهایی را علیه طرح سازمان برنامه و بودجه ترتیب داده است . ارگان «خانه کارگر» (کارو کارگر) اکثر صفحات خود را به این امر اختصاص داده است . یکی از مواد «قانون کار» که گویا سازمان مذکور اصرار زیادی در تغییر آن دارد، ماده ۲۷ می باشد. حال بد نیست ، بدانیم که خود این ماده ۲۷ بنا به اعترافات کارگزاران «خانه کارگر» چه گلی به سر کارگر زده است .

محجوب (سردبیر «خانه کارگر») در باره این قانون صریحا اقرار می کند : «برخی افراد ماده ۲۷ قانون کار را موجب فراهم آوردن بی انضباطی در محیط کار دانسته اند لیکن این ماده ، رعایت انضباط در محیط کار را مورد تاکید قرار داده است .» (کار و کارگر ۲۷ آبان ۷۲) محجوب صاف و پوست کنده واقعیت این بند را به مخالفینش گوشزد می کند. اما اجازه دهید به همین بیان کلی از سوی رئیس «خانه کارگر» بسنده نکنیم و مشخصا کاربرد عملی این قانون را از زبان یکی از آقایان «هیئت تشخیص » مورد ملاحظه قرار دهیم .

محمد علی بیجار که با لقب به اصطلاح نماینده کارگران شرکت پیک شیمی در هیئت تشخیص و حل اختلاف اداره کار استان تهران عضویت دارد، بعد از اینکه ماده ۲۷ را بهترین قانون حمایت از کارگران می خواند، در باره چگونگی اخراج کارگران می گوید: «در هیئت تشخیص و حل اختلاف بین کارگر و کارفرما ، ابتدا بررسیهای لازم در خصوص علل و دلایل اخراج کارگر از محیط کار انجام می گیرد که پس از بررسی اگر کوتاهی و قصوری از طرف کارگر در محیط کار صورت گرفته باشد بر طبق ماده ۲۷ کارگر را رسما از کار اخراج می کنند. . . » (همان شماره). باید پرسید، واقعا «کوتاهی و قصور» شامل چه چیزی نمی شود؟ آیا هرگونه مخالفت و اعتراض کارگر در محیط کار از نظر سرمایه دار، مدیریت وشوراها و انجمن های اسلامی به معنای «کوتاهی و قصور» نیست ؟ و آیا مگر همین ماده ۲۷ که سوگلی سرمداران شوراهای اسلامی شده ، اخراج کارگران را قانونی نکرده است ؟ قانون کار برای سرجنبانان «خانه کارگر» البته که مقدس است ، چرا که ساخته و پرداخته خود آنهاست . با رضایت آنها و برای منافع و حفاظت از آنها و سرمایه داران تدوین شده است . ماده ۲۷ نیز قطعا برای نورچشمی های «خانه کارگر» منافعی در بردارد، چرا که اخراج کارگران را به رای مثبت آنها موکول نموده است . ولی برای کارگران این بند و کلیت قانون کار جز لطمه به منافع شان و قانونی ساختن بی حقوقی آنها چیزی در بر ندارد.

اگر این قانون ضد کارگری هنوز هم بی حقوقی مطلق کارگران را از نظر سرمایه داران و کارشناسان آنها تامین نکرده است ، اگر آنها تعرضات خود را جهت بی حقوقی گسترده تر کارگران تشدید نموده اند، اگر «خانه کارگر» برای حفاظت از منافع و موقعیت خود به دفاع از این قانون می پردازد ، منافع مستقل کارگران هم مبارزه علیه تعرض سرمایه داران و هم مبارزه با تشکلهای دست پرورده رژیم در محیط کار و قانون کار آنهاست .

مجموعه این قانون در دفاع از سرمایه داران هیچ کمبودی ندارد. هدف آنها در این تعرض فعال مایشائی مطلق است . بدیل کارگر ، مبارزه وی برای ایجاد تشکل های مستقل خودش است . تشکلی هایی که در آنان اراده و دخالت مستقیم همه کارگران تضمین شده باشد و هر مسئله و معضل کارگری تنها باید توسط آنها پاسخ خود را بگیرد.

* * *

«شیاطین » درکارخانه های گیلان

بنا به گزارش کار و کارگر (۲۱ مهر ۷۲) استاندار گیلان با هیئت اجرایی خانه کارگر این استان دیدار نمود. در این دیدار وی ، ترغیب کارگران به افزایش تولید. جلوگیری از مشکلاتی که «دستهای مرموز» در محیط کار بوجود می آورند و همکاری با مدیران را از جمله وظایف این ارگان ضد کارگری خواند و گفت : « خانه کارگر باید . . . کارگران را برای افزایش تولید داخلی ترغیب کند.» وی که از کارگر معترض با اسم رمز دست شیطان نام می برد تصریح نمود: «در فضای سالم کارگری اگر خدای ناکرده دست های مرموز و شیطانی وجود داشته باشد که بخواهند وضعیت کارخانجات ما را با مشکل مواجه سازند، وظیفه خانه کارگر است که با رهنمودهای درست ، منطقی و اصولی خود، کارگران را به مسائل آشنا سازد . . .». طاهائی (استاندار گیلان) هم چنین وظیفه دیگر خانه کارگر را همکاری با مدیران خواند و اظهار نمود: «مدیران را نیز جدای از جامعه کارگری ندانید. چرا که همه در این فضا در حال انجام وظیفه هستیم .»

در صحبت هایی که طی این نشست بیان شد، فاش گردید که در استان گیلان ۱۰۰ هزار نفر بعنوان بیکار ثبت شده اند. این در حالی است که طی چندماه اخیر نیز اخراجهای دسته جمعی در کارخانجات این استان افزایش یافته است .

* * *

www.iran-archive.com

محیط کار، قتلگاه کارگران

در ایران روزی نیست که در کارخانه ، کارگاه و یا مزرعه ای بدلیل شرایط غیر ایمنی کار ، کارگری به خون نغلطد. ابعاد نقص عضو و مرگ کارگران در کارخانه ها و محیط های کار به حدی است که آمارگران جمهوری اسلامی نیز ناچارند بخشی از آنها را ثبت کنند.

بنا به اظهارات دکتر سلام کیش عضو هیئت علمی دانشگاه امیر کبیر، سالانه ۲۰ هزار نفر در ایران ، در اثر حوادث ناشی از کار در واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی آسیب می بینند. این خبر در روزنامه های دولتی مورخ ۵ آبان ۷۲ انعکاس یافته است.

هم چنین رژیم جمهوری اسلامی رسما پذیرفته است که طی سال جاری شمسی ـ که البته هنوز پایان نیافته است ـ ۱۰۰۰ تن از کارگران در محیط کار جان خود را از دست داده ویا به طوردائم معلول شده اند. سقوط از دیوار ، خفگی در چاه ، سقوط اجسام سنگین بر روی کارگر ، از جا در رفتن تسمه نقاله ها و اصابت به بدن کارگر، نداشتن حفاظ در استفاده از وسایل برشی و یا پرسی ، پرتاب اشیاء ، عدم وجود شرایط ایمنی در مصارف مواد آتش زا ، عدم وجود دستکش ، ماسك ، لباس مناسب ، عدم ایمنی در مقابل وسایل تبخیری مانند بنزین ، الکل و تینر و اشتعال آنها ، انفجار مخازن و دیگ های بخار، برق گرفتگی ، پرتاپ شدن ازدکل ها، ماندن زیر آوار ، انفجار در معدن . . . از جمله مواردی هستند که هر روز جان و سلامتی کارگران را در محیط کار تهدید می کنند.

وجود ۷ نماینده بهتر است یا اعتراض ۱۰۰۰ کارگر!

کمالی وزیر کار و امور اجتماعی رژیم در سمیناری که اخیرا تحت عنوان «فرهنگ کار» در اصفهان براه انداخته اند گفت : «بهتر نیست اگر مشکلی برای یك مجموعه کارگری پیش آمد بجای اینکه یك هزار نفر به یکباره با هم شروع به صحبت کنند و اعلام نارضایتی کنند، هفت نفر بعنوان نماینده با کارفرما، یا مدیر به گفتگو نشسته تا مشکل را برطرف کنند؟» این مطلب در روزنامه کار و کارگر (۲۷ آبان ۷۲) به چاپ رسیده است . همانگونه که ملاحظه می کنید ، آنجایی هم که نمایندگان دولت بادی به غبغب انداخته و از ضرورت صاحب نماینده بودن کارگران ، دم می زنند، تنها کنترل اعتراض آنان را مد نظر دارند.

* * *

۵۰۰ نفر از کارکنان شرکت پخش نواخراج شدند

شرکت پخش نو، توزیع کننده داروهای دامی و محصولات آزمایشگاهی تعطیل شد و ۵۰۰ نفر از کارکنان آن در سراسر کشور بیکار شدند.

کارکنان این شرکت به ناچار با دریافت دوماه حقوق و مزایا در ازای هر سال سابقه کار بازخرید شده اند. این در حالی است که بعضی از آنها ۲۰ سال سابقه کار داشتند.

شرکت پخش نو در زمان شاه توسط سرمایه داران خصوصی اداره میشد. بعد از سرنگونی شاه تا سال ۱۳۶۵ تحت پوشش سازمان صنایع ملی و از سال ۱۳۶۵ تا زمان تعطیل آن زیر پوشش بنیاد مستضعفان و جانبازان قرار داشت. این شرکت در سراسر ایران ، ۱۷ شعبه با ۵۰۰ کارگر و کارمند داشت .

* * *

اخراج کارگران درشرکت چرمسازی ری

بنا به اخبار منتشره در روزنامه کار و کارگر (۲۵ شهریور و ۵ آبان ۷۲) ۹۰ تن از کارگران شرکت چرمسازی ری اخراج شده اند. با وجود اینکه حتی هیئت تشخیص نیز رای به لغو اخراج کارگران داده است ولی کارفرمای شرکت از انجام این رای امتناع می کند.

* * *

اخراج کارگران و عدم پرداخت دستمزد آنها

کارفرمای شرکت مانع ، این شرکت در استان خراسان واقع شده و تولید کننده انواع پلاستیك است ، دستمزد کارگران این شرکت را به مدت ۳ ماه پرداخت نکرده و ۲۰ نفر از آنان را اخراج نموده است .

* * *

یك سوم کارگران کارخانه «دستاس»اخراج شدند

۱۸ نفر از کارگران رسمی کارخانه آرد «دستاس » ساری طی حکمی از سوی مدیریت کارخانه (میرحسن حسن پور) در

www.iran-archive.com

ماه مهر از کار اخراج شدند. اخراج این کارگران در شرایطی صورت می گیرد که هر کدام از آنها در کارخانه بین ۱۳ تا ۱۹ سال سابقه کار داشته اند. هم چنین دفترچه های بیمه خدماتی ۵۷ کارگر و کارمند این کارخانه از مهرماه ۷۱ تاکنون بعلت عدم ارسال لیست حقوقی کارگران به اداره بیمه ساری از درجه اعتبار ساقط شده است. کارخانه آرد «دستاس» ساری با ظرفیت اسمی روزانه ۱۰۰ تن در سال ۵۶ تاسیس شده و در دو شیفت با ۵۳ کارگر در کیلومتر ۷ جاده قائمشهر ساری فعالیت دارد.

* * *

عدم پرداخت دستمزدکارگران شرکت خیام

بنا به گزارش کار و کارگر مورخ ۲۸ مهرماه ۷۲ ، کارفرمای شرکت خیام الکترونیك نیشابور به مدت ۳ ماه از پرداخت دستمزد کارگران خودداری نموده است .

* * *

۶۰نفراز کارگران قم در بلاتکلیفی محض

کارفرماهای دو کارخانه میبد و جوش پلاستیك قم ٤ ماه است که دستمزد و مزایای کارگران را پرداخت نکرده اند. مسئول خانه کارگر قم در مصاحبه ای با روزنامه کار و کارگر (٦ آبان) اعتراف نمود که اکنون ٦٠ نفر از کارگران این دو واحد در بلاتکلیفی محض به سر می برند و کارخانه ها در آستانه تعطیلی قرار گرفته اند.

* * *

اخراج کارگران مجتمع صنعتی خراسان

١٤ نفر از کارگران مجتمع صنعتی اسلامی خراسان اخراج شده اند. روند اخراج ها در این کارخانه ادامه دارد.

* * *

بلاتکلیفی ٤٧٠ کارگر کارخانه ریسندگی نخ‌تاب

کارخانه ریسندگی نخ‌تاب اصفهان با ٤٧٠ نفر کارگر به دلیل عدم حضور صاحبان آن در داخل کشور و با ۹۰۰ میلیون و ٥٦٤ هزار ریال بدهی از حدود هفت ماه پیش تعطیل شده است . کارگران این کارخانه در طول این مدت از دریافت دستمزد و مزایای خود محروم مانده اند. آنها تاکنون به اشکال مختلفی (از قبیل مراجعه و حضور در اداره کار استان ، استانداری و خانه کارگر جمهوری اسلامی) جهت بازگشایی مجدد کارخانه و دریافت دستمزد خود مبارزه کرده اند.

علیرغم اعتراضات گسترده کارگران پرداخت بابت صدور دفترچه خدماتی تصویب شد.

سازمان تامین اجتماعی اعلام نمود که کلیه بیمه شدگان باید جهت صدور وتجدید دفترچه های درمانی ۱۰۰۰ ریال بپردازند. این تصمیم با اعتراضات گسترده کارگران روبرو شد. در مقابل این اعتراضات، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی با سلب مسئولیت از خویش در قبال تصویب این موضوع ، وعده داد که مجددا شورایعالی تامین اجتماعی آنرا مورد بررسی قرار دهد. اما علیرغم این شورایعالی دریافت مبلغ ۱۰۰۰ ریال را بار دیگر تصویب کرد.

* * *

٦٠ درصد از شرکت جوراب آسیا در حالت رکود

شرکت جوراب آسیا تحت پوشش بنیاد مستضعفان و جانبازان و در کیلومتر ۷ جاده مخصوص کرج قرار دارد. این شرکت دارای بیش از ۸۰۰۰ پرسنل زن و مرد و تولید آن انواع جوراب و پوشاك می باشد. هم اکنون حدود ٦٠ درصد از بخشهای مختلف این شرکت به حالت رکود در آمده و با ظرفیت کامل خود کار نمی کند. بنابراین امکان اخراجهای گسترده در این شرکت وجود دارد.

* * *

چندمیلیون بیکار ـ چندهزارمشمول«بیمه بیکاری »!

شیرازی مدیر کل بیمه بیکاری وزارت کار و امور اجتماعی پیرامون «قانون بیمه بیکاری» گفت : این قانون در سال ١٣٦٦ با هدف حمایت از کارفرمایان و کارگران تنظیم و تدوین شد که به مدت ۳ سال به صورت آزمایشی به تصویب رسید. وی هم چنین اظهار داشت : «طی سالهای ٦٦ تا ٦٩ حدود ۲۵ هزار نفر از کارگران بیکار که برخلاف میل خود از کار بیکار شده بودند، تحت پوشش این بیمه قرار گرفته و از مزایای این طرح استفاده کرده اند.» این خبر در روزنامه کار و کارگر (۱۸ مهر ۱۳۷۲) انتشار یافته است .

علیرغم تمام جار و جنجالهایی که سران رژیم جمهوری اسلامی حول پرداخت بیمه بیکاری راه انداخته اند، اکنون بنا به اعتراف خود جناب مدیر کل ، تنها ۲۵هزار کارگر شامل این قانون شده اند. البته نباید فراموش کرد که در مورد همین ۲۵ هزار نفر نیز، هنوز مشخص نیست که آنان چگونه و به چه میزان از این «بیمه بیکاری » استفاده کرده اند.

* * *

بیکاری در استان خوزستان

سید جلا لی مدیر کل کار و امور اجتماعی اهواز در باره بیکاران ثبت شده این استان گفت : «در حال حاضر رقمی حدود ۱۵۷ هزار نفر بیکار در استان (خوزستان) داریم و طی سه ماه اول سال جاری هر ماه به طور میانگین ۲۷۰۰ نفر متقاضی کار مراجعه کرده اند».

لازم به تذکر است که از ۱۸ هزار کارکر و شاغل پالایشگاه نفت آبادان ، در حال حاضر فقط ۵ هزار نفر در این پالایشگاه مشغول کارند.

* * *

۲۷۰ کارگر کارخانه نازپوش ماهمهاست که دستمزدی دریافت نکرده اند

۲۷۰ نفر از کارگران زن و مرد

www.iran-archive.com

کارخانه «نازپوش» بندر انزلی که به ادعای روزنامه کار و کارگر (۱ مهر ۷۲) «از اوایل سال جاری با کمبود نقدینگی مواجه بوده است »، دستمزد خود را دریافت نکرده اند.

کارگران این واحد تولیدی که عمدتا تولید آن کت و شلوار می باشد در بلاتکلیفی محض به سر می برند. با وجودی که آنان هر روز در محل کارخانه حاضر می شوند اما احتمال اخراج آنها می رود.

کارخانه نازپوش وابسته به سازمان صنایع ملی است و بخشی از سهام آن متعلق به سرمایه داران کره جنوبی و خصوصی است .

* * *

کارگران آسفالت کارحتی ازماسک نیزمحرومند!

در جلسه ای که اخیرا تشکل دست پرورده رژیم در شرکت نسیوان راهساز آذربایجان غربی داشت ، متولی امامزاده «شورای اسلامی کار» اعتراف کرد، کارگران این شرکت که تولید کننده آسفالت گرم و سرد هستند، با وجود اینکه در تماس مستقیم با گردوخاک هستند ولی حتی از ماسک تصفیه هوا نیز محرومند . این وابستگان و نمایندگان رژیم که با پز «تشکل کارگری» اظهار فضل می کنند، حتی جهت همین ابتدایی ترین و پیش پاافتاده ترین ضروریات کارگران نیز هیچ اقدامی نتوانسته اند انجام دهند و تنها به مرحمت مدیر کارخانه دخیل بسته اند.

* * *

قطع مزایای کارگران شرکت کشمیران

مزایای ۶۴۰ نفر پرسنل شرکت کشمیران به بهانه «کمبود نقدینگی و مواد اولیه کافی » قطع شده است . این شرکت در سه شیفت و روزانه با ظرفیت متوسط ۶ تن نخ اکریلیک کار می کند. کارفرمای کشمیران بنیاد مستضعفان و جانبازان می باشد.

* * *

اعتراض کارگران شرکت «باریم شیمی»مشهد

کارگران شرکت «باریم شیمی » مدت ۲ ماه است که هیچ گونه دستمزد و مزایائی دریافت نکرده اند. مدیریت علاوه بر اینکه آنها را از سرویس ایاب و ذها محروم کرده ، مدت یکسال نیز لباس کا در اختیار آنها قرار نداده است . این خ در روزنامه کار و کارگر (۵ مهر ۱۳۷۲ منتشر شده است . با اینکه کارگران چندین مرتبه به اداره کل کار و امور اجتماع خراسان شکایت کرده اند ولی بعد از این تلاشها ، تازه مسئولین این اداره مدعی هستند که پرونده شکایت آنها مفقود شد است .

* * *

۱۵۰ کارگر شهرداری بهبهان اخراج شدند

شهرداری بهبهان ۱۵۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرده است . با اینکه این کارگران اکنون ماههاست مدارک لازم را جهت برقراری حق بیمه بیکاری به اداره کار و امور اجتماعی تسلیم کرده اند، ولی علیرغم وعده و وعیدهای مسئولین امور ، هم چنان از دریافت بیمه بیکاری و حق سنوات خدمت محرومند . علاوه بر این شهرداری بهبهان هنوز عیدی و پاداش سال ۷۱ کارگران را نیز نپرداخته است .

* * *

اعتصاب درکارخانجات آجر«جیل وجنگیه»

در مصاحبه ای که روزنامه کار و کارگر (۷۲/۷/۲۲) با مدیر عامل کارخانجات آجر «جیل و جنگیه » (مقیمی زاده) داشت ، فاش شد که کارگران این کارخانجات برای افزایش دستمزدهایشان دست از کار کشیده اند. طبیعی است که در باره چگونگی این اعتصاب ونتیجه آن خبری در این روزنامه منتشر نشده است .

کارخانجات آجر «جیل و جنگیه » حدود ۴۰ سال پیش توسط شرکت ملی نفت مصارف شرکت ساخته شد و در سال ۱۳۵۰ به حاج محمد مقیمی زاده فروخته شده است. هم اکنون این کارخانجات صدها کارگر را در استخدام دارند.

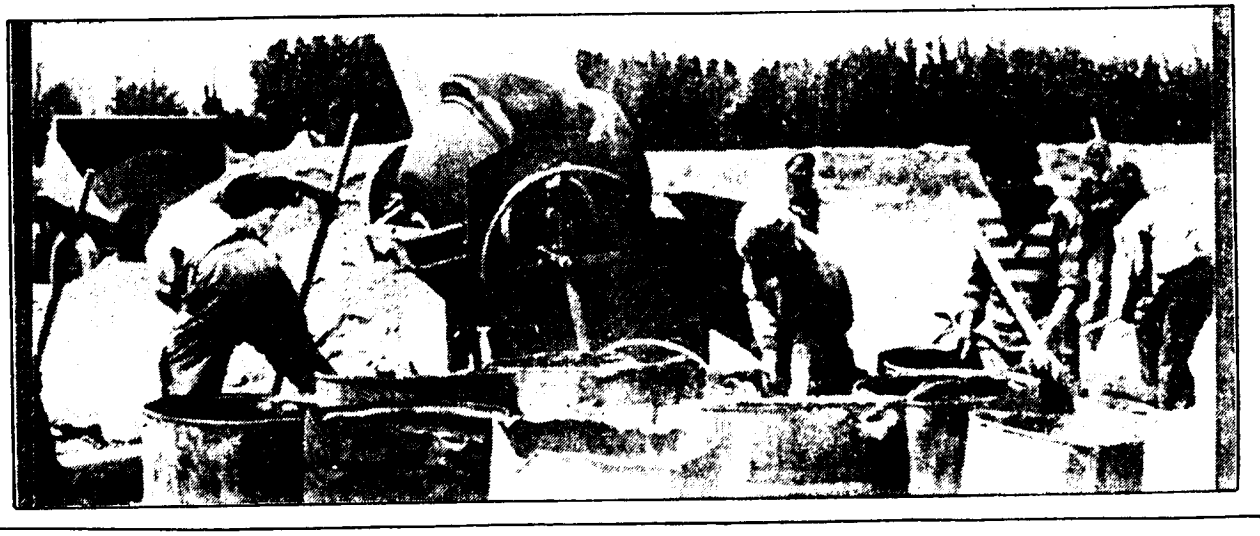

www.iran-archive.com

پیام کارگران در تبعید به اجتماع کنندگان ۶ اکتبر

در پی تعمیق بحران سرمایه داری جهانی و بخطر افتادن منافع طبقه سرمایه دار ، در سال گذشته دولت سرمایه داری سوئد با تهیه و تصویب طرحها و برنامه های مختلف و اجراء در آوردن آنها سراسیمه به نجات سرمایه داری از گرداب بحران در سوئد شتافت .

طرح خصوصی کردن صنایع و سپس تجدید نظر در قانون استخدام جهت باز گذاشتن دست کارفرمایان برای اخراج کارگران ، بیکارسازیهای گسترده از یکسو و کاهش حق بیمه بیکاری از سوی دیگر و بالاخره کاهش حقوق و تامین اجتماعی در سطحی گسترده از جمله اقدامات ضد کارگری دولت حاکم در دفاع از منافع طبقه سرمایه دار بوده است .

همکاران گرامی

اکنون در شرایطی بسر می بریم که اقدامات دولت حاکم در سوئد تنها جزئی از حمله سراسری طبقه سرمایه دار و دول مدافع آن بر سطح معیشت و دستاوردهای مبارزه تاکنونی ما می باشد. همزمان با اقدامات دولت حاکم بر سوئد و دیگر دول سرمایه داری اروپا، در ایران نیز دولت مذهبی و سرکوبگر حاکم تحت عنوان «طرح تعدیل نیروی انسانی و خصوصی سازی صنایع » که با هدف بالا بردن سود سرمایه داران صورت می گیرد دست به بیکار سازی صدها هزار از همکارانمان زده و آنان را به سیه روزی کشانده است . چرا که در ایران هیچگونه تامین اجتماعی و بیمه بیکاری واقعی وجود ندارد.

اگر امروز دولت سرمایه داران و کارفرمایان در سوئد تلاش می کند تا با توسل به افزایش جریمه «اعتصاب غیر قانونی » اعتراضات شما را به بند کشد، در ایران تحت حاکمیت دولت سرمایه داری هرگونه اعتراض و اعتصاب با سرکوب و شکنجه و اعدام روبرو می گردد.

رفقا و همکاران !

مبارزات و اعتراضات شما علیه اقدامات دولت موجب رسمیت یافتن ششم اکتبر بعنوان روز عدالت گشت به همین سبب این روز، روز مبارزه و اعتراض مشترك همه ما علیه استثمار و سرکوب سرمایه داری می باشد . ما ضمن محکوم ساختن قوانین و اقدامات ضد کارگری همگام با شما خواستار توقف بیکارسازیها و افزایش حق بیمه بیکاری و همچنین لغو قانون جدید استخدام و دیگر طرحهای ضد کارگری هستیم . اگر دول سرمایه داری امکان ایجاد کار برای همه افراد آماده به کار را ندارند باید کار موجود در جامعه از طریق کاهش ساعات کار به تناسب نرخ بیکاری بین تمامی افراد آماده به کار تقسیم کنند. اولین گام برای تحقق خواسته های جنبش اعتراضی شش اکتبر تبدیل این حرکت به یك اعتصاب سراسری است . پیشروی ما در این عرصه به مثابه پیشروی طبقه ما در مبارزه علیه سرمایه داری جهانی است . ما همچنین شما رافرامیخوانیم تا از مبارزات همکارانتان در ایران برای دست یابی به حق تشکل و اعتصاب حمایت کنید. دست یابی طبقه ما به حق تشکل و اعتصاب در ایران در عین حال به معنای دست یافتن مردم آزادهٔ ایران به دمکراسی خواهد بود.

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایران ـ سوئد

۹۳/۱۰/۶

اخبار

۶۰۰ هزار تن از مردم خراسان از اختلالات روانی رنج می برند

دکتر بهادرخان مسئول مبارزه با بیماریهای غیر واگیر خراسان در سمیناری گفت : «بررسی های آماری نشان میدهد که حدود ۲۰۰ هزار تن از دانش آموزان خراسان به نوعی از اختلالات خفیف و شدید روانی و رفتاری رنج می برند». وی با اشاره به آمار دیگری اظهار داشت : «احتمالا حدود ۶۰۰ هزار تن از مردم خراسان نیز به بیماریهای خفیف و شدید روانی مبتلا می باشند.

اعتراض کارگران علیه کسر دستمزدشان

کارفرمای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اردبیل دستمزد جمعی از کارگران را کسر کرده است . بنا به خبر منتشر شده در روزنامه سلام (۵ آبان ۷۲) تاکنون علیه این اقدام چند بار به مراجع قانونی شکایت شده ولی این شکایات با بی اعتنائی مسئولین روبرو شده اند.

* * *

www.iran-archive.com

اخبار کارگری اروپا

گردآوری و تنظیم : جلیل محمودی

آلمان

اعتصابات خودجوش و ابتکارات مستقل ۸۵ هزار کارگر معادن آلمان

از تاریخ ۲۱ سپتامبر به مدت ۳ روز موجی از اعتصابات خودجوش و ابتکارات مستقل کارگری آلمان را در برگرفت . محرك این حرکات کم نظیر کارگری که مستقل از اتحادیه ها به پیش برده می شدند، تصمیم شورای نظارت ذغال سنگ «رور» (آ.گ) در ۲۱ سپتامبر ۹۳ بود.

بر اساس تصمیمات این ارگان ، روسای انحصارات قصد خود را دال بر تعطیل محلهای استخراج و تولید ذغال سنگ در کارخانه «برگ کامن » و قسمتی از صنایع معدن شهر «هام » و «گلزن کِر شن » آشکار نمودند.

با تعطیل نمودن این کارخانجات که قرار است تا اول ژانویه ۱۹۹٤ اجرا شود، به مرور ۲۰ هزار شغل در این رشته حذف می گردد و مشخصا تا پایان سال ٦۰۰۰ نفر اخراج می شوند.

مسدود نمودن راه مترو توسط معدنچیان

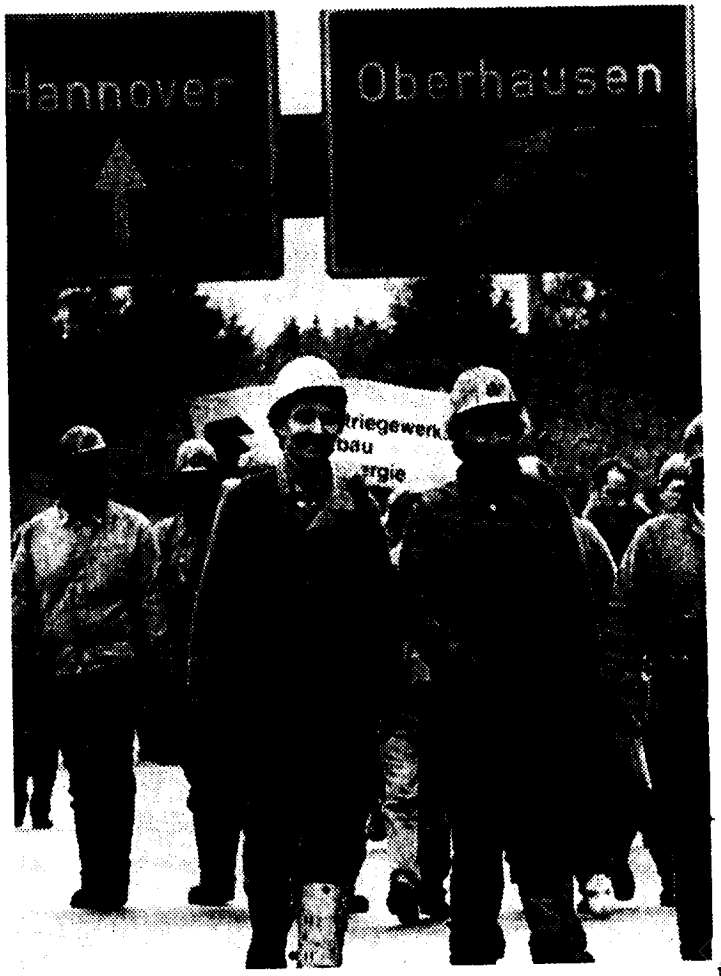

کارگران اعتصابی گلزن کیرشن درحال بلوکه نمودن اتوبان

به محض اعلام این خبر ، در عصر همانروز کارگران «برگ کامن » با حمایت سایر همکارانشان در معادن اطراف ، کارخانه را اشغال نموده ، خیابانهای اصلی شهر را بلوکه کردند. صبح روز بعد (۲۲ اکتبر) ، همبستگی کارگران و تشکلهای مختلف با ابتکار عمل کارگران «برگ کامن » آغاز شد. کارکنان معادن اطراف ، صنایع فولاد ، اپل بوخوم ، گروه های زنان و تشکلهای کارگران بیکار به صورت پیوسته با اعزام نمایندگانی و ارسال پیام هایی حمایت خود را از ابتکارات و اقدامات کارگران ابراز داشتند.

تحت تاثیر این حرکت کارگران ، از ساعت ۸ صبح کارکنان کارگاه مرکزی دورتموند و درنه (Derne) نیز خیابانها را بلوکه نمودند. در «گلزن کِر شن » معدنچی های اعتصابی با اشغال اتوبانی ، عبور و مرور را در آن متوقف نمودند. متعاقبا توسط کارکنان دیگر معادن و کارکنان راه آهن معدن ، خیابانهای اطراف راه آهن بلوکه شد.

در عین این حرکات ، تظاهراتی نیز به سمت دفتر مرکزی حزب حاکم (CDU) سازماندهی گشت . بعدازظهر ۲۲ سپتامبر ، کارگران در مناطق «هام » ، «آلن «، «مارل» و «اکلینگهاوزن»، چهارراههای مهم را اشغال نمودند.

www.iran-archive.com

موج اعتصابات تا مناطق غربی یعنی «دویسبورگ ـ والزوم» و معادن «نیدرراینشه» پیش رفت و در تاریخ ۹۳/۹/۲۳ به زارلند نیز رسید.

در این حرکات ۸۵ هزار نفر از کارگران و کارکنان صنایع و معادن مختلف شرکت داشتند. اقدامات و تحرکات مدیریت ، از روز دوم اعتصابات برای وادار نمودن کارگران به بازگشت به کار تشدید شد. در این میان حمایت اتحادیه معادن از مدیران صنایع غیر قابل انکار بود. پلیس که تا روز دوم ، اقدامات کارگران را شدیدا زیر نظر داشت ، لحن خود را علیه کارگران تندتر نموده ، اخطار کرد : «دیگر بلوکه نمودن اتوبانها را تحمل نخواهیم کرد». با وعده و وعیدهایی اعتصابات کارگران پس از ۳ روز فروکش نمود ولی حرکات اعتراضی آنها در اشکال دیگری ادامه یافت . چنانکه متعاقب این آکسیونها ، در روز ٤ نوامبر ۹۳ ، چند هزار کارگر معدن در مناطق مختلف آلمان به خیابانها آمدند. در بن بیش از ۲۰۰ کارگر چندین ساعت درب ورودی دفتر مرکزی احزاب حاکم CDU و FDP را مسدود نمودند وزرای اقتصاد و محیط زیست آلمان ناچار به گفتگو رودر رو با نمایندگان آنها گشتند.

هم چنین در ۱۱ نوامبر نیز معدنچیان منطقه «رور» و «نیدرهان» یك روز کامل در اعتصاب بودند. در این اثناء ۱۰ هزار نفر از کارگران کارخانجات کروپ ـ هوش در دورتموند، بوخوم ، هاگن و کارگران تیسن در دویسبورگ و کرفلد دست به اعتصاب زدند. کارگران هوش دورتموند، علیه برچیده شدن ۵۰ هزار شغل در صنایع فولاد ، شهرداری و دفتر حزب CDU را اشغال نمودند.

* * *

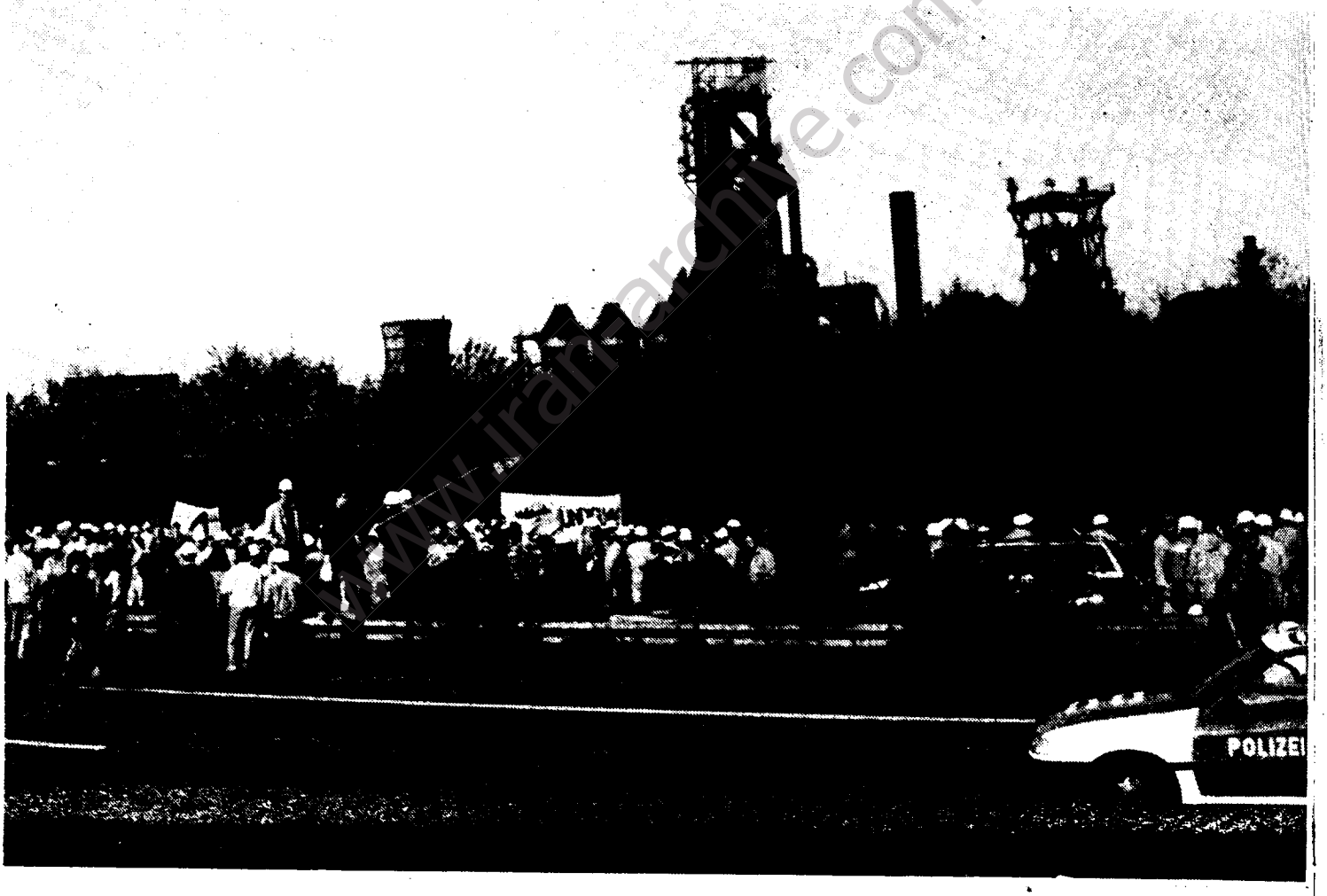

www.iranarchive.com

اخلال در نظم حریه قانونی پلیس در سرکوب «دمکراتیك» کارگران

پلیس آلمان که در برابر ابتکارات و حرکات اخیر کارگران ، مصلحت نمی دید، از قهر عریان استفاده کند، با شناسایی سازماندهندگان حرکات مستقل کارگری ، از آنان به عنوان «اخلال کنندگان در نظم » به دادگاه شکایت کرده است.

پلیس با شناسایی و فیلمبرداری از کارگران ، حکم جلب ۳ تن از رهبران کارگری را به دادگاه فرستاده است. یکی از آنها گونتراشپان (Günter Spahn) عضو شورای کارخانه تیسن و دیگری گردفیستر(Gerd Pfisterer) عضو شورای کارخانه کروپ در راین هاوزن است .

هم چنین هنگامیکه در روز ۱۲ نوامبر ۹۳ ، معدنچیان با مسدود نمودن مجاری اتوبانی ، رفت و آمد در آنرا متوقف کرده بودند. پلیس ۵ ماشین متعلق به کارگران را توقیف ،

پلیس در هنگام شناسایی کارگران

گواهینامه رانندگان آنها را ضبط نمود. قرار است از این کارگران به دادگاه شکایت شود.

کارگران فولاد کروپ ـ راین هاوزن علیه این اقدامات پلیس ، قطعنامه ای صادر نموده اندکه قسمتی از متن آنرا در زیر می خوانید:

قطعنامه اعتراضی مجمع عمومی

کارکنان کروپ راین هاوزن

خطاب به : رئیس شهربانی شهر دویسبورگ

. . . این اقدام ، حرکتی است علیه تمامی کارگران فولاد و ما با این شعار به آن پاسخ خواهیم داد: یکی برای همه ، همه برای یکی !

. . . مبارزه ما ، مبارزه ای است علیه نابودی گسترده محل کار، و برای ایجاد شغل های جدید! این به زندگی و هستی ما مربوط است !

ما به مبارزاتمان از زاویه مسئولیت مان در قبال آینده و آینده کودکانمان می نگریم .(مبارزه ما، مبارزه ای است) علیه کنسرنهایی که دهها سال است روی استخوان ما چاق و چله شده اند، و اکنون می خواهند در خفا و بی اعتنا نسبت به مشکلات موجود، بگریزند.

(مبارزه ای است) علیه سیاستمدارانی که به خرج ما زندگی می کنند و هر روز جهت پایمال نمودن حقوق سیاسی و اجتماعی ای که ما با مبارزه سرسختانه خود بدست آورده ایم ، قانون جدیدی وضع می کنند.

بر این اساس ما خواهان :

* توقف فوری جریان بازجویی علیه هر ۳ کارگر فولاد،
* آزادی نامحدود برای تجمعات و تظاهراتی که اساس ضد فاشیستی دارند، هستیم .

ما به همه همکارانی که این مسئله را موضوع خودشان می دانند، توصیه می کنیم تا با تمامی ابتکارات ، حمایت خود را (از این قطعنامه) بیان دارند.

دویسبورگ ۱۲ نوامبر ۹۳

این قطعنامه به اتفاق آرا به تصویب رسید.

* * *

بزرگترین تظاهرات کارگران ساختمانی آلمان پس از جنگ دوم جهانی

۱۲۰ هزار تن از کارگران ساختمانی در تاریخ ۲۸ اکتبر ۹۳ در بن پایتخت آلمان تظاهرات کردند. این آکسیون گسترده توده ای ، علیه حذف مزایای بدی آب و هوا و سایر اقدامات دولتی برپا شد.

دولت هلموت کهل در یك تعرض بی سابقه ، کاهش حقوق زمان بیکاری ، کمك های اجتماعی ، خدمات درمانی و محدود نمودن مدت پرداخت حقوق بیکاری و حذف مزایا و دستاوردهای مختلف دستمزد و حقوق بگیران را به مورد اجرا گذارده و یا در برنامه عمل خود قرار داده است .

در این راستا دولت و کارفرمایان در نظر دارند از سال ۱۹۹۶ مزایای بدی هوا را به کارگران نپردازند، چنین عملی به معنای آن است که از میانگین دستمزد ناخالص هر کارگر یا شاغلی در کار ساختمانی ، سالانه ۶۵۰۰ مارك کسر شود.

در این تظاهرات که توسط اتحادیه سازمان یافته بود، صدای «کهل باید برود!» مرتب به گوش میرسید.

* * *

موجی ازاعتصابات و مبارزات کارگری در سراسر اروپا

فرانسه

در فرانسه مبارزات دوهفته ای کارگران و کارکنان ایرفرانس (Air France)دولت را ناچار به عقب نشینی کرد. دولت در مقابل موج حرکات مستقل و خودجوش کارگری ، برنامه خود را دال بر کاهش دستمزدها و اخراج ۴۰۰۰ کارگر پس گرفت . بنا به گزارشات روزنامه ها،از آنجا که خصوصی سازی ، اخراج های دسته جمعی و کاهش دستمزدها، جزو یك برنامه عمومی تر دولت هستند، انتظار میرود که مبارزات مشابه ای در سایر شرکتهای دولتی نیز به وقوع بپیوندد.

ایتالیا

در ایتالیا در ۲۸ اکتبر میلیونها کارگر در یك اعتصاب عمومی ۴ ساعته علیه سیاست های صرفه جویانه دولت و علیه اقدامات اتحادیه کارفرمایان شرکت کردند.

اسپانیا

در اسپانیا ۲۳۵۰۰ تن از کارگران و کارکنان در روز ۲۷ اکتبر علیه برنامه «VW » و تصمیمات دولتی جهت انجماد دستمزدها دست به یك اعتصاب اخطار آمیز زدند. ماشین سازی

www.iran-archive.com

خبر ارسالی از واحد کانادا

بحران شرکتهای الکترونیکی آمریکا

بر اساس گزارش منتشره صنعت کامپیوتری آلمانک (Computer Industry Almanac)

ـ سالنامه صنعت کامپیوتر ـ در سال ۱۹۹۳ ، مشاغل مربوط به الکترونیک در آمریکا برای چهارمین سال متوالی کاهش پیدا کرده اند. در انتهای سال ۱۹۹۲ ، رقم شاغلین صنایع الکترونیک ۲۲۹۱۰۰۰ نفر بوده که حدود ۹۹۰۰۰ نفر کمتر از دسامبر سال ۱۹۹۱ می باشد. تنها استثناء شرکت پرپاکاگد سافت ویر(Prepakaged Software) بوده که رشد کرده و در حدود ۲۲۷۰ شغل اضافه نموده است .

شرکت آی . بی . ام (I.B.M) در ماه جولای ۳۵۰۰۰ نفر دیگر را اخراج کرده و فوجی تو(Fujitu) خبر داده ۶۰۰۰ نفر یعنی یازده درصد از کل شاغلینش را اخراج خواهد نمود. تن دم (Tendem) در نظر دارد تا خاتمه ۱۹۹۳ ، پانزده درصد از کارگران شرکتش را اخراج نموده و تا بحال در کل شعبات خود در سرتاسر آمریکا ، دستمزدها را پنج درصد کاهش داده است . دجی تال اکوئیپ منت (Degital Equipment) در حال بستن کارخانه تولیدی ۶۰۰ نفره خود در آلمان می باشد. کوانتم (Quantum) که سازنده دیسك درایو (Disk drive) می باشد، اطلاع داده است در اوت امسال ، هفت درصد از نیروی کارش را اخراج نموده است . مید داتا سنترال (Mead Data Central) ۴۰۰ نفر را اخراج کرده و ات اند تی (AT and T) ۴۰ مرکز تلفنی را بسته و ۴۰۰۰ مورد شغل را کاهش داده است . همچنین اسپرینت (Sprint) ۱۰۰۰ شغل را در واحدهای راه دور خود کاهش داده است. از طرف دیگر بی مورد نیست تا یادآوری شود در اعتصابات کارگری بر علیه شرکت دی ـ ای ـ سی (DEC) و دیگر شرکتهای کامپیوتری آلمانی ، ساعت کار به ۳۶ ساعت در هفته تقلیل پیدا کرده است.

به نقل از نشریه : Industrial Worker

اکتبر ۹۳

خبر ارسالی از واحد کانادا

ژاپن : افزایش بیکاران

شرکتهای ژاپنی شغلها را سخت تر کرده ، مزایا را قطع کرده ، کارخانجات رابسته و تولیدات را به کشورهایی که کارگرانش دستمزد کم می گیرند ـ جنوب شرقی آسیا ـ منتقل می کند. امسال آمار بیکاران در ژاپن تنها ۳٪ بود ولی این آمار جزو دوره رکود اقتصادی به حساب نمی آید . این کارگران بیکار را مهاجرین و زنان که اکثریت نیروی کار ژاپن به شمار می آیند، تشکیل می دهند. هنوز موانع زیادی بر سر راه زنان جهت کار در کارخانجات موجود می باشد. کارگران مهاجر اهل جنوب شرقی آسیا که در طول دهه ۱۹۸۰ به منظور پر نمودن مشاغل با دستمزد کم به ژاپن آورده شده بودند، اینك از کار بیرون رانده می شوند.

کارخانه نیسان (Nissan) شروع به بستن شعبه ها و کم کردن شغلها نموده است . ان . تی . تی (NTT) ـ شرکت تلفنی انحصاری ـ سی و سه هزار (۳۳۰۰۰) شغل را تا ۱۹۹۶ کاهش خواهد داد. شرکت غول پیکر الکترونیك سانیو(Sanyo) سی هزار نفر را اخراج می کند. امروزه هفتاد درصد تلویزیونهای رنگی شرکتهای ژاپنی در کشورهای دیگر تولید می شوند که به همین آمار می توان سی درصد از تولیدات ویدئو را نیز افزود. در ۱۹۹۲ تویوتا (Toyota) بیست درصد از تولیدات اتوموبیل را در مناطق دوردست به اتمام رسانیده و جی . ام (GM) چهل درصد (شرکت آمریکایی). سونی (Sony) به تقلید از آی . بی. ام (IBM) آمریکا (که ۴۶٪ از محصولاتش را در خارج از آمریکا تولید می کند سی و پنج درصد از محصولات خود را در خارج از ژاپن تولید نموده است.

اخبار کارگری اروپا

« VW » قصد دارد کارخانه اصلی خود را در بارسلون تعطیل نماید. همچنین در این اعتصاب ۷۰ هزار کارگر فولاد علیه انجماد دستمزدها و حذف خدمات اجتماعی برنامه ریاضت اقتصادی دولت و انجماد دستمزدها شرکت داشتند.

۲۹ اکتبر در یك تظاهرات شرکت کردند. در این تظاهرات شرکت کنندگان علیه اعتراض نمودند.

بلژیك

۴۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان عضو اتحادیه های بلژیك ، مقارن با جلسه سران بازار مشترک اروپا ، در تاریخ

www.iran-archive.com

جلسه همبستگی با کارگران بیشوفه روده آلمان

در هانوفر کمیته ای بنام «بیشوفه روده در همه جا وجود دارد»، با هدف : حمایت از مبارزات مستقل کارگران معدن پتاس «توماس مونستر» آلمان(واقع در منطقه بیشوفه روده ایالت تورینگن) ، فراهم آوردن امکان آشنایی بیشتر با مبارزات آنها و همچنین تبادل نظر جهت چگونگی پیشبرد مبارزه با بیکارسازیهای اخیر در هانوفر، تشکیل شده است .

این کمیته در تاریخ ۲۸ اکتبر ۹۳ جلسه ای را برگزار نمود که در آن ۲ تن از نمایندگان کارگران بیشوفه روده شرکت داشتند. در این نشست حدود ۷۰ نفر حضور داشتند ورفیق مهوش نظری درمکث کوتاه ـ ده دقیقه ای ـ که میان دو قسمت جلسه ایجاد شده بود، فرصتی بدست آورد تا با نمایندگان اعزامی از سوی کارگران بیشوفه روده مصاحبه ای انجام دهد.

ما در شماره ۲۱ نشریه کارگر تبعیدی مطلبی پیرامون مبارزات مستقل کارگران بیشوفه روده به چاپ رساندیم ، در این شماره نیز فشرده ای از گزارش این جلسه و همچنین قسمتهایی از مصاحبه را به چاپ می رسانیم .

گزارش فشرده ای از جلسه

از بیشوفه روده ۲ نفر در جلسه حضور داشتند. کریستیان یانکوفسکی(Kristian Jankowski) عضو شورای سخنگویان کارگران بیشوفه روده است و لوتار آدلر (Lother Adler) کارمند PDS (حزب حاکم بر آلمان شرقی سابق ، بعد از الحاق این کشور به آلمان فدرال به PDS تغییر نام داده است)در مجلس تورینگن می باشد. دومی از اول ژوئیه ۹۳ از طرف این حزب برای حمایت از کارگران اعتصابی به بیشوفه روده اعزام شده است .

لوتار آدلر در سخنرانی خود به مسائل مختلفی پرداخت که در اینجا به بعضی از نکات مطرح شده توسط وی ، اشاره می کنم .

اعتصاب غذای کارگران بیشوفه روده که از اول ژوئیه آغاز شده بود، با مارش کارگران به برلین پایان یافت. این مارش در طول بیش از ۴۰ کیلومتر انجام شد. در عین مارش کارگران کوشیدند تا با کارگران سایر کارخانجات شرق که سرنوشتی مشابه معدن بیشوفه روده و در خطر تعطیلی قرار داشتند تماس حاصل نموده و حمایت آنان را جلب نمایند.

کارگران در عین مارش، امیدوار بودند که صدها یا هزاران نفر به آنان بپیوندند، ولی انتظار آنان بر آورده نشد. علت این امر به نظر آدلر عدم تدارکات کافی برای این حرکت بود. وی در قسمت دیگری از سخنرانی خود گفت : «ما طبیعتا مدتها این تصور را داشتیم که بتوانیم یك مبارزهٔ کاملا غیر سیاسی را پیش ببریم، امروز هم کاملا چنین هدفی را تعقیب می کنیم ، ولی از تجارب خودمان آموخته ایم که آنچه بر بیشوفه روده گذشته را نمی توان جدا از مسائل سیاسی مورد ملاحظه قرار داد.»

وی در رابطه با اتحادیه ها گفت : نقش اتحادیه های منفرد و کنفدراسیون سراسری اتحادیه آلمان (DGB) و اختلافات و تشنجات درون جنبش اتحادیه ای ، شیوه برخورد اتحادیه ها نسبت به مسئله بیشوفه روده و مبارزات آنها، تجاربی برای ما به همراه داشتند، در عین حال می توان موضع و برخورد احزاب و گروه ها را در قبال مسئله بیشوفه روده بهتر سنجید و از آنها شناخت به دست آورد. بعنوان مثال بسیاری از احزاب کوشیدند مبارزات کارگران بیشوفه روده را مورد بهره برداری سیاسی قرار دهند. سخنرانی های نمایندگان احزاب سوسیال دمکرات و دمکرات مسیحی (حزب حاکم آلمان) در تجمعات همبستگی با کارگران تنها به جهت تبلیغ احزاب خودشان صورت می گرفت ـ بدون اینکه هیچ گام عملی و یا پیشنهاد معینی برای پیشبرد مطالبات کارگران مطرح نمایند.

در ادامه سئوالات مختلفی از سوی حاضرین مطرح شد. در پاسخ یکی از سئوالات پیرامون تلاشهایی که جهت ایجاد تفرقه بین کارگران صورت می گیرد ، کریستیان یانکوفسکی گفت : یکی از شیوه های تفرقه افکنانه این است که از سوی مدیریت مسئله بازخرید کارگران بیان شده است . هیئت مدیره به هر کدام از کارگران مستقیما نامه نوشته تا نظر آنها را جلب کند. اکنون تعدادی از ما از بازخرید حرف می زنند ولی بخش بزرگی از ما خواهان حفظ شغل های خود هستیم .

در قسمت دوم جلسه آقای ولفگانگ توبیر(Wolfgang Täuber) عضو شورای کارخانه «کونتی » هانوفر و از اعضای اتحادیه شیمی ، کاغذ و کرامیك در باره بیکارسازیها در هانوفر صحبت کرد. وی بر روی ضرورت پیشبرد مبارزه بر علیه بیکارسازیها در چهارچوب اتحادیه ها تاکید نمود.

در پایان جلسه ضمن تاکید بر این امر که همبستگی با کارگران بیشوفه روده در پیکار جهت حفظ شغلها معنی می یابد، قطعنامه ای از سوی اکثریت حاضرین به تصویب رسید. در قسمتی از این قطعنامه آمده است : «بیشوفه روده سمبول یك

www.iran-archive.com

اپوزیسیون کارگری نوینی گشته است.کارگران بسیاری ازشاخه های صنعتی ـ با تکیه بر تجارب کارگران بیشوفه روده ـ در این جهت سمتگیری نموده اند . . . در هانوفر نیز نیاز به چنین حرکت مبارزه جویانه و قاطعی وجود دارد. اتحادیه بعنوان مهمترین تشکل شاغلین باید تمامی امکانات مبارزاتی خود را بکار بگیرد. شهر ما (هانوفر) رسما ۴۱۰۰۰ بیکار دارد. مصوبات حکومت کهل . . . جیب های کنسرنها را پر نموده، موجب بیکارسازیها و فقر بیشتری می شوند. تنها در کنتیننتال (کارخانه لاستیک سازی) هانوفر قرار است صدها شغل از بین برود. مبارزه بر علیه «برنامه بحران » دولت کهل آسان نیست ، اما یك جنبش توده ای گسترده قادر است حکومت و کارفرمایان را مجبور نماید، شغل ها را حفظ نموده و محلهای کار جدیدی نیز ایجاد نمایند. پول برای این امر وجود دارد. طبق اطلاعاتی که اتحادیه رسانه ها منتشر نموده است ، سرمایه بکار انداخته نشده در تولید به ۱۶۰۰ میلیارد مارك بالغ میشود.»

در انتها از خواست برقراری فوری ۳۵ ساعت کار در هفته بدون کاهش دستمزدها برای کل آلمان دفاع شد، و ضرورت این امر برای ایجاد حدود ۳ میلیون شغل مورد تاکید قرار گرفت.

* * *

مصاحبه با نمایندگان معدن بیشوفه روده آلمان

سئوال : پیرامون نحوه شرکت کارگران بیشوفه روده در تصمیم گیریها جهت پیشبرد عرصه های مختلف مبارزه توضیح دهید. آیا شورای کارخانه در باره پیشنهادات تصمیم نهایی را می گرفت یا اینکه مکانیزم پیشبرد کارها مستقیما توسط تبادل نظر کل کارگران صورت می گرفت ؟

کریستیان یانکوفسکی : جایی که باید نکات و فاکتهایی مطرح میشدند و یا به بعضی ز مسائل پاسخ مناسب داده میشد، شورای کارخانه مسئولیت این کارها را بین اعضای خود تقسیم می نمود و بعد کارگران را در جریان نتیجه کار قرار می داد. در موقعیت های مهم نسبت به اهمیت موضوعات جلسه عمومی فرا خوانده و در باره مسائل تبادل نظر و رای گیری میشد. مهم این است که همواره همه اطلاعات در اختیار کارگران قرار داده شود و در هیچ موردی عملی بدون اطلاع آنان صورت نگیرد. این موضوع بسیار مهمی است که کارگران احساس کنند، خودشان در همه کارها شرکت دارند. کارگری که در یك یا دو حرکت اعتراضی شرکت کند، خودش بیشتر جویای مسئله میشود. ارائه اطلاعات ز طریق روزنامه های دیواری، اعلامیه و غیره نیز صورت می گرفت .

سئوال : امروز شما در میان صحبتهایتان از «شورای سخنگویان » نام بردید. تا بحال من همواره از «سخنگویان شورای کارخانه » می شنیدم . لطفا بگوئید که «شورای سخنگویان » چگونه تشکیل شد؟

لوتار آدلر : شورای کارخانه به لحاظ قانونی قدرت تحرك لازم را ندارد و بسیاری از مسائل را نمی تواند پیش ببرد. روزی که اشغال کارخانه مطرح شد ، کارگران باید نشان میدادند که در مخالفت با بسته شدن کارخانه مصمم و پیگیرند. بنابراین تصمیم گرفته شد که یك شورای سخنگویان انتخاب شود. شورائی که انعطاف لازم را جهت سازماندهی اشکال مختلف مبارزه دارا باشد و محدودیت های قانونی شورای کارخانه نیز شامل آن نشود.

سئوال : شورای سخنگویان مستقیما از طرف کارگران انتخاب شدند؟

یانکوفسکی : بله ، ما هفته ها در باره محدودیت قانونی شورای کارخانه فکر کردیم . در این فکر بودیم که چه باید کرد. بالاخره بعدازاینکه باین نتیجه رسیدیم که حتما باید مبارزه مان را ادامه دهیم . این مسئله مطرح شد که مسئولیت سازماندهی مبارزه را به عهده منتخبین کارگران واگذار کنیم . اینها افرادی هستند که در میان کارکران هستند و کلا کارکران پیشنهادات اصلاحی خود را برای بهبود مبارزات ، به شورای سخنگویان می دهند.

سئوال : شورای سخنگویان و شورای کارخانه از چند نفر تشکیل شده اند؟

جواب : اولی ۱۰ نفر و دومی۱۵ نفر .

سئوال : مبارزات تاکنونی تان را چگونه ارزیابی می کنید؟ چه نقاط ضعف و یا قوتی در این مبارزات می بینید؟

آدلر : از نظر ما ، مبارزه تاکنونی مان موفق و آموزنده بود.

یانکوفسکی : بویژه آموزنده بود . ما طی این مدت به شناختی دست یافتیم که یکسال قبل اساسا به آن باور نداشتیم . امکان ندارد مبارزه ای را برای حفظ شغلهایمان به پیش ببریم ، بدون آنکه توانایی پاسخگویی به استدلالات افرادی را داشته باشیم که نقشه حذف شغلهایمان را ریخته اند. این از جمله ضعف مبارزه ما بود که بخشا با تصورات ساده لوحانه و نیز در بسیاری مواقع بدون نقشه و سازماندهی، بطور خودبخودی حرکت می کردیم . در بسیاری از کمیسیونها و جلساتی که با سیاستمداران داشتیم ، از سوی آنان ، آنقدر اظهارات احمقانه ای مطرح میشد که حتی تصور آنرا نیز نمی کنید. این اظهارات و ادعاهای بی معنی که واقعا خشم ما را بر می انگیخت ، انگیزه ما را جهت مبارزه و افشای آنها بیشتر می کرد و ما را مصمم می نمود ، موضع گیری آنها را به افکار عمومی بیاوریم .

سئوال : در شرق آلمان کارخانه های زیادی تعطیل شده اند و میلیونها نفر اخراج گشته اند. اما در این میان ، این کارگران

www.iran-archive.com

نامه و مطالب رسیده به نشریه

* رفیق عزیز محسن . انتقادات شما بدستمان رسید. از اینکه نظرات خود را با ما در میان گذاشتید، فوق العاده از شما سپاسگزاریم . ما می کوشیم تا پیشنهادات و انتقادات شما را جهت بهتر نمودن نشریه مورد نظر قرار دهیم به اطلاع می رسانیم که جداگانه نیز نامه ای برایتان ارسال خواهیم نمود.

* رفقای واحد هلند، مطالب و اخبار ارسالی تان بدستمان رسید. از تلاشها و فعالیتهای شما قدردانی می کنیم .

* رفیق عزیز م.سهرابی ضمن تشکر از شما به اطلاع می رسانیم که مقاله تان به اسم «طبقه کارکر و آگاهی انقلابی (سوسیالیستی) » بدستمان رسید. در این باره نامه جداگانه ای برایتان ارسال خواهد شد.

* رفقای واحد کانادا : اخبار ارسالی و نامه هایتان بدستمان رسید. از زحمات شما قدردانی می کنیم .

* دوست عزیز ا. ملائی ، مطلب ارسالی تان به نام «محض اطلاع » بدستمان رسید. ضمن تشکر فراوان از دقت و ملاحظات شما به اطلاع می رسانیم که در این باره نامه جداگانه ای برایتان ارسال خواهیم نمود.

* دوست عزیز از نروژ ، گزارش شما در باره انتخابات اخیر نروژ بدستمان رسید، با تشکر از همکاریتان، از آنجا که برای نشریه ما ، مسائل کارگری از اولویت برخوردارند. پیشنهاد می کنیم که پیرامون اخبار و مسائل کارگری مطالبی را برایمان ارسال کنید !

* دوست عزیز ک از فرانسه . نامه شما را دریافت کردیم.ضمن تشکر از ابراز لطفتان به اطلاع میرسانیم نامه جداگانه ای برایتان ارسال شده است .

* رفیق ابراهیم ازکلن_ نامه تان بدستمان رسید.باتشکرازشمابه اطلاع می رسانیم که مبلغ ۱۰۰ مارك ارسالی شمابابت نشریات وحق عضویت سال قبل دریافت شد.

اطلاع

متاسفانه به دلیل عدم ارسال به موقع «نامه ها و پیام ها» موفق به درج آن در این شماره نشریه نشدیم .

جلسه همبستگی با کارگران بیشوفه روده آلمان

←

بیشوفه روده بودند که مبارزه پیگیری را علیه بیکارسازی سازمان دادند. به عقیده شما چه ویژگیهایی در کارگران بیشوفه روده وجود دارد که چنین برجسته و مستمر، مبارزه خود را به پیش بردند؟

آدلر : اول باید از این نام برد که تمامی معیارهایی که «تروی هند» و حکومت آلمان برای حفظ یك کارخانه صنعتی بر می شمارند، دقیقا شامل حال حفظ معدن پتاس بیشوفه روده نیز می شوند. آنها از ضرورت سرمایه گذاری در صنایعی نام می برند که محصولاتشان بازار فروش داشته باشند، که کارگرانی با انگیزه تولید داشته باشند. اینها در وجود معدن ما نیز است. ما از خود این معیارها نیز به این نتیجه رسیده ایم که باید کارخانه به تولید ادامه دهد. این اولین دلیل !

دلیل دوم ، دروغهای مستمر و تلاشهای مقامات است که می پندارند آنچنان ما احمقیم که با سرهمبندی این دروغها می توانند ما را به نیستی و بیکاری بکشانند. این شیوه برخورد آنها در ما یك واکنش متقابل ایجاد کرده است و انگیزه ای شده است برای پیگیرمان در مبارزه . . . علاوه بر اینها یکسری خود ویژگیهای تاریخی این منطقه ، با توجه به تاریخچه جمهوری دمکراتیك آلمان (DDR) دارد که این پیگیری را منعکس می کنند. من روی این نکته تاکید می کنم ، با وجود یکه بیشتر کسانیکه اینجا هستند، اعتقادی به خدا ندارند ولی در منطقه مسئله مسیحی بودن ، انگیزه ای برای مبارزه ما می باشد.

سئوال : چگونه باید کارگران بر علیه بیکارسازیها مبارزه کنند؟ نظر شما در باره ۳۵ ساعت کار در هفته ، بدون کاهش دستمزدها چیست ؟

آدلر: . . . مبارزه برای کاهش ساعت کار ، بدون کاهش دستمزدها، مبارزه ای است که تمامی امکانات لازم را در خود جامعه دارا است . شما ملاحظه بکنید، میلیاردها مارك در بانکها انباشته شده اند، بدون اینکه در سرمایه گذاریها بکار انداخته شوند. از این صحبت می شود که سالیانه ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیارد مارك کنسرنها اختلاس (مالیاتی) می کنند. وقتیکه می بینیم به راحتی فقط ۱۷ میلیارد مارك برای جنگ خلیج به آمریکائی ها پرداخت میشود، وقتی بودجه دفاعی بیش از ۵۰ میلیارد مارك را به خود اختصاص میدهد، بنابراین فکر می کنم منابع مالی کافی برای کاهش ساعات کار در این کشور وجود داشته باشد. . .

www.iran-archive.com

زبان مشترک سرمایه داران اسلامی و سلطنت طلب

قانون کار جمهوری اسلامی که پس از ۱۱ سال از حیات ننگین این رژیم به تصویب رسیده ، با وجود اینکه خود یک سند ارتجاعی و ضد کارگری است ، هنوز هم توقعات سرمایه داران و بی حقوقی مطلق کارگران را از نظر کارفرمایان تامین نکرده است . آنها خواهان قانونی هستند که به صریح اللهجه ترین شکلی از آنها دفاع نموده تا در هر لحظه که اراده کنند، کارگر را بدون پرداخت وجهی اخراج نموده و یا از دستمزد وی بکاهند.

اکنون مدتی است که سخنگویان سرمایه داران و روزنامه نویس های این طبقه ـ چه در دستگاه دولتی ایران و چه در خارج آن ـ تعرضات خود را جهت بی حقوقی گسترده تر کارگران و فعال مایشائی مطلق سرمایه داران تشدید نموده اند.

جالب اینجاست که سلطنت طلبان و ارگان آنها (کیهان ـ چاپ لندن) نیز در این عرصه فعال شده و شروع به خودنمایی نموده است .

کارشناس سرمایه داران اسلامی در روزنامه رسالت گله می کند که چرا کارفرمایان حق ندارند ، کارگران را بخاطر کم کاری اخراج نمایند، برادران سلطنت طلب آنها نیز شکایت می کنند که به ازای «هر سال سابقه خدمت معادل ۲ ماه آخرین حقوق » ! کارفرمایان نمی توانند «چنین تکلیف هایی را به دوش بکشند» و چرا «بار پرسنل اضافی » را نمی توان کم کرد. چنانکه ملاحظه می کنید، سلطنت طلبان و مسلمانان رسالتی با زبان مشترکی سخن می گویند و بورژوازی سلطنت طلب دقیقا از همان واژه های مورد علاقه برادران اسلامی نظیر «تکلیف » بهره می جوید.

اخراج راه حل مشترک سرمایه داران اسلامی و سلطنت طلب

رسالت :

«برخی به طور احساسی با موضوعات مربوط به اشتغال و مشکلات قانون کار برخورد می نمایند و هنگامی که از تغییر و جابجائی نیروی کار بین بنگاههای تولیدی صحبت می شود بلافاصله این نظریه را ضد کارگروطرفداری از سرمایه داران می دانند، در حالیکه اگر کارفرما بتواند به کارگری که متناسب با وضعیت تولیدی وی نیست خاتمه کار بدهد طبق قانون و با اثبات مدعای خود، حق این کار را داشته باشد در آنصورت هم وضعیت تولید سامان می یابد، هم کارفرما ، کارگری بهتری می یابد و هم کارگر جای مناسب خود را به تدریج پیدا می کند . . . در قانون کار تا حد زیادی اختیار عمل کارفرما سلب شده است . به عنوان مثال می توان به شرایط خاتمه قرارداد در ماده ۲۱ اشاره کرد که خاتمه کار را به یکی از طرق زیر می داند:

فوت کارگر ، بازنشستگی کارگر ، از کار افتادگی کارگر، انقضای مدت در قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن ، پایان کار در قراردادهایی که مربوط به کار معینی است ، استعفای کارگر. همانگونه که ملاحظه می شود در هیچیک از موارد خاتمه قرارداد، کارفرما حق ندارد کارگری را بدلیل نداشتن بازدهی یا کم کاری یا . . . اخراج کند».

کیهان سلطنت طلبان :

« قانون کار حقوق کارفرمایان را در تمشیت عقلایی واحد تولیدی خود، به ویژه در عرصه اداره منابع انسانی به شدت محدود کرده است . به عبارت دیگر کارفرما نمی تواند برای چابک کردن کارخانه خود، افزایش بارآوری آن و تامین قابلیت رقابتش در بازار داخلی و خارجی ، بار پرسنل اضافی را کم کند. اجرای این قانون برای کارفرما بار مالی سنگینی به همراه دارد. طبق ماده ۲۱ ، چنانچه خاتمه قرارداد کار به لحاظ از کار افتادگی یا بازنشستگی کارگر باشد، کارفرما باید بر اساس آخرین مزد کارگر به نسبت هر سال سابقه خدمت به میزان ۳۰ روز مزد به وی پرداخت کند. طبق ماده ۳۲ ، اگر خاتمه قرارداد کار در نتیجه کاهش توانایی های جسمی و فکری ناشی از کار کارگران باشد، کارفرما مکلف است به نسبت هر سال سابقه خدمت معادل ۲ ماه آخرین حقوق به وی پرداخت نماید و غیره. آیا واحدهای تولیدی ایران توان آن را دارند که چنین تکلیف هایی را به دوش بکشند؟».

برای حمایت از مبارزات کارگران ایران متحد شویم!

www.iran-archive.com

مصاحبه یك نشریه هلندی با اعضای انجمن در باره شرایط کارگران ایران

سه تن از رفقای انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی در هلند در ماه ژوئن ۱۹۹۳ مصاحبه ای با نشریه هلندی زبان Grenzeloos(بدون مرز) ، ارگان انترناسیونال ٤ انجام دادند. این مصاحبه تحت عنوان «با تلاش خود، کارگران ایران را از ایزوله بیرون بیاوریم » در نشریه ماه سپتامبر این سازمان بچاپ رسید که چکیده مصاحبهٔ مذبور بشرح زیر می باشد.

ایرانیان پناهنده ای که در هلند ساکن می باشند، کسانی هستند که بعد از قدرت گیری رژیم جمهوری اسلامی ایران بعلت تعقیب ، زندانی ، اعدام ، شکنجه و کشتار و سرکوب مجبور به ترك کشور خود گردیده و در هلند پناهنده شده اند.

تصویری که وسائل ارتباط جمعی (مطبوعات ، رادیو، تلویزیون و غیره راجع به وضع کارگران در ایران و اخبار پیرامون وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی در اختیار انظار عمومی قرار می دهند مطابق منافع قدرتمندان و کسانی که در این رابطه سودی دارند میباشد.

انجمن کارگر تبعیدی در سال ۱۹۸۸ در راستای منافع کارگران تبعیدی ـ پناهنده در خارج و دفاع از کارگران در ایران و اشاعهٔ اخبار صحیح و نشاندادن وضعیت بحرانی وسرکوبی که در ایران نسبت به طبقه کارگر اعمال میشود، در آلمان بنیان گذاشته شد. در سال ۱۹۹۳ بخشی از این انجمن در هلند اعلام موجودیت نمود.

وسائل ارتباط جمعی با امکاناتی که در اختیار دارند تصویربسیارغلط و غیر واقعی در اذهان عمومی ایجاد کرده اند مبنی بر اینکه کارگران در ایران وضع بسیار خوبی دارند و مردم مدافع رفسنجانی می باشند و تنها فعالین سیاسی و مخالفین رژیم هستند که بخاطر ایده های خود با رژیم جمهوری اسلامی مخالفت می کنند. این تصویر به هیچ وجه با واقعیت موجود در ایران همخوانی ندارد. در ایران صحبت از یك بحران عمیق اقتصادی ـ سیاسی ـ اجتماعی است که زندگی کارگران و زحمتکشان را عملا در وضعیت بسیار دشواری قرار داده و آن را غیر ممکن ساخته است . مسئول مستقیم این وضعیت فلاکت بار و دشوار کسی جز رژیم جمهوری اسلامی و حامیان آن نیست.

بخاطر وجود سرمایه داری در ایران ما همیشه مواجه با بحران بوده ایم . اما با به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و سیاست های آن ، از جمله ۸ سال جنگ در دفاع از سیستم سرمایه داری جهانی ، جامعهٔ ایران کاملا به نابودی کشانده شده است .

طبق آماری که رژیم در سال ۱۹۸٦ انتشار داده ، جمعیت ایران بالغ بر ۵۰ میلیون نفر میباشد که‌ازاین جمعیت ۲ میلیون نیروی کار میباشند. از این ۱۳ میلیون نیروی کار ۶ میلیون نفر مشغول به کار و ۷ میلیون دیگر بیکار میباشند ۱ میلیون از این تعداد در اداره کار برای یافتن شغل ثبت نا کرده اند، این رقم ۱۵٪ از بیکاران را تشکیل میدهد.

در سال ۱۹۸۹ رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرد که تعداد بیکاران تا ۲ میلیون نفر کاهش خواهد یافت .

اکثر شاغلین در ایران از کوچکترین امکاناتی برخوردار نیستندو شرایط غیر ثابت بسیار دشواری دارند و درآمد آنان کفاف وضعیت بحرانی و گرانی را نمی دهد، در ضمن قانون کار فقط شامل بخشی از کارکنان میباشد . این تعداد ۲ میلیون نفر در بخش های صنعت نفت ، معدن ، راه و ترابری ، فولاد ، بندر و سایر خدمات می باشد. در سایر بخش ها قوانین و یا قراردادی وجود ندارد.

اما در بارهٔ شوراهای اسلامی :

در حالی که شوراهای کارگری در ایران ممنوع میباشند شوراهای وابسته و سرسپرده به رژیم به نام شوراهای اسلامی که عملا وجود داشتند در سال ۱۹۸۵ رسمیت یافتند. این شوراها عملا ارگانهای جاسوسی رژیم می باشند و اعضاء آنها باید مسلمان باشند. مخالفین این شوراها مستقیما و فوری دستگیر خواهند شد.؟

تشکیلات رسمی رژیم برای کارگران ، خانه کارگر می باشد که زیر نظر وزارت کار اداره میشود. قوانین کارگری توسط این ارگان پیشنهاد و تصویب میشود و در جلسات آن فقط اعضای مسلمان و مسلمانان میتوانند شرکت کنند. نشریهٔ این سازمان کار و کارگر میباشد که زیر نظر رژیم انتشار می یابد. به عنوان نمونه یکی از خبرهای این نشریه راجع به زنان کارگری میباشد که با داشتن بچهٔ چهارم تمام امکانات رفاهی از جمله (شیرخوارگاه ، بیمهٔ درمانی ، مرخصی زایمان) خود را از دست خواهند داد. بخاطر کنترل و پائین آوردن جمعیت در ایران بدینصورت فشار بمراتب بیشتری بر خانواده های کارگری که بیشتر از ۳ فرزند داشته باشند وارد خواهد آمد.

اعتصاب ها:

در ایران اعتصاب ممنوع می باشد و کارگران حق اعتصاب ندارند و تلاش در جهت سازماندهی اعتصاب مجازات بسیار سنگینی دارد. اما با وجود این در سالهای اخیر اعتصابات زیادی در ایران رخ داده است که در این اعتصابات کارگران خواسته های اقتصادی ـ سیاسی خود رامطرح کرده اند. در این رابطه ژورنالیستی از روزنامه انگلیسی میدل ایست

www.iran-archive.com

رپورت پیرامون وقوع اعتصابات کارگری ... ایران تحقیقی انجام داده که در این گزارش نشان داده که ... ۱۹۸۰ بیش از ۸۰۰ اعتصاب در ایران صورت گرفته است ، که ۶۰ درصد از این اعتصابات در بخش صنایع رخ داده است . این اعتصابات از طرف رژیم با خشونت مواجه و سرکوب شده اند.

در سال ۱۹۹۱ تعداد ۲۰۰۰ اعتصاب در ایران صورت گرفته که مهمترین آن ، اعتصاب در صنعت نفت بود. اعتصاب کارگران نفت رژیم را دچار مشکل جدی کرده بود.

کردستان

در سال ۱۹۸۱ کارگران کوره پزخانه ها در کردستان اول ماه ماه را جشن می گیرند. این جشن در ایران ممنوع میباشد و به عنوان روز مذهبی و مقدس از طرف رژیم اعلام شده بود. در آن روز کارگران دست به اعتصاب زدند که دونفر از آنها به این دلیل دستگیر شدند. پس از فعالیت های زیاد در خارج از کشور با کمک سندیکاهای کارگری در اروپا و آمریکا دو نفر مزبور آزاد گردیدند. بعد از این حادثه جلسات کارگری بطور مخفی و یا تحت عنوان ورزش کردن انجام می گرفت.

فعالیت های انجمن کارگران پناهنده و مهاجر

این ارگان در سال ۱۹۸۸ تشکیل گردیده و هدف آن آگاه کردن افکار عمومی و نشان دادن وضعیت طبقه کارگر در ایران و جلب همبستگی بین المللی با مبارزات آنان میباشد. این انجمن در کشورهای آلمان ، انگلیس ، سوئد ، نروژ ، ترکیه ، دانمارک و هلند خود را بسط داده است .

انجمن کارگران تبعیدی فعالیت های خود را ضمن همکاری با تشکلهای کارگری در خارج کشور عملا به پیش می برد. این فعالیت ها تاکنون شامل ارتباط با DGB در آلمان ، FNV در هلند، TUC در انگلیس و ABVV و IVVV در بلژیک می باشد. روبط ما با تشکلهای مزبور بسیار نزدیک می باشد.

سازمان جهانی کار(ILO)

انجمن تلاشهای بسیاری نموده که از طریق نمایندگان سندیکاهای نامبرده علیه شرکت نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی ایران درILO اعتراض نماید و آنها را وادار به عدم پذیرش نمایندگان رژیم نمایند، زیرا که این نمایندگان ، نمایندهٔ انتخابی خانهٔ کارگرند و نه نمایندهٔ واقعی کارگران . در کشور هلند تاکنون FNV توجه خود را معطوف به وضعیت اقلیتهای ملی ومذهبی و تبعیضی که در این رابطه به این اقلیتها از طرف رژیم وارد میشود کرده است ، اما پس از ارتباط اعضای انجمن با FNV و آشنایی این سندیکا به مسائل کار و کارگری و کارگران در ایران،تاکید نموده که درنشست آیندهٔ ILO فعالیت خود را حول مسائل کارگری در ایران متمرکز خواهد کرد. این سندیکا ، انجمن را به عنوان کانال ارتباطی خود به رسمیت شناخته است . همچنین انجمن با ارتباط خود با IVVV در بروکسل رابطهٔ گسترده تری در این راستا توانست بدست بیاورد.

اعتصاب در شرکت نفت

این شرکت یکی از صنایع قدیمی و مهم در ایران است ، بخش زیادی از کارگران ایران در این شرکت مشغول به کار میباشندو این شرکت برای رژیم نقش حیاتی و مهمی دارد. از ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ تا ۱۳ ژانویه ۱۹۹۱ بیش از هزاران کارگر در این بخش به همراه کارکنان دیگر به اعتصاب دست زدند. خواسته های آنان بشرح زیر بود:

- افزایش دستمزدها نسبت به بالا رفتن قیمت ها(گرانی)
- ارتقاء مشاغل
- وام مسکن
- پرداخت اضافه کار

در این شرکت کارگران نمیتوانند نمایندگان خود را انتخاب کنند، اعتصاب آنان ، به شرکت نفت در اصفهان ، آبدان ، تبریز و شیراز گسترش یافت . رژیم سعی نمودکه اعتصاب آنها را بی نتیجه بگذارد، به همین دلیل حرکت همگانی ترشد. در این حرکتها ۲۶ کارکر دستگیر شدند و در نتیجه خواستهای دیگری از جمله آزادی دستگیرشدگان نیز به خواسته های اعتصابیون افزوده شد. فضای سیاسی گسترده ای کشور را فراگرفته بود وبا وجود سرکوب شدید ، رژیم مجبور شد که به خواست های اعلام شده کارگران تن دهد و اعتصابیون دستگیر شده را آزاد نماید.

کار کودکان در ایران

بخشی از مصاحبهٔ ژورنالیست روزنامه همشهری که در باره کار خردسالان در ایران انجام گرفته است توسط اعضای انجمن ترجمه و در اختیار نشریه Grenzeloos قرارگرفت که متعاقبا در این نشریه به چاپ رسید.

ارسالی از: انجمن کارگران پناهنده ومهاجر ایرانی ـ واحدهلند

مترجم: آزاده کارگردوست

۹۳/۱۰/۸

قطع دست یك کارگر در حین کار

کارگر ایرانی (۲۷۱ ساله)که در یکی از کشتارگاههای آمستردام رسما شاغل بود، مچ راست خود را از دست داد. این واقعه درتاریخ ۹۳/۹/۲۷ ، هنگام شستن ماشین بزرگ چرخ گوشت بوقوع پیوست . بعد از حادثه او را همراه با ماشین چرخ گوشت به بیمارستان منتقل می کنند، ولی پس از ۹ ساعت عمل جراحی نتیجه مثبتی عاید نمی گردد و مچ او بطور کامل قطع می شود.

پس از کسب خبر، یکی از رفقای انجمن در هلند با او ملاقات می کند. خوشبختانه دوست کارگرمان از روحیه خوبی برخوردار است .

انجمن کارگران پناهنده ومهاجر ایرانی (هلند)

۹۳ ۹ ۳۰

www.iran-archive.com

در باره انجمن های صنفی کارگری

قانون کار در جمهوری اسلامی بالاخره پس از ۱۲ سال ، نه از طریق نهادهای متعارف رژیم ، بلکه توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد، پس از ۳ سال از تصویب همین قانون رهبران جمهوری اسلامی ، شرایط تدوین اساسنامه انجمنهای صنفی کارگری و کارفرمایی را اعلام نموده است . پرسیدنی است چه حادثه ای اتفاق افتاده که رژیم بفکر اعلام شرایط تدوین اساسنامه انجمن های صنفی افتاده است ؟ پاسخ به این سئوال را می توان در اعتراف دبیر کل خانه کارگر پس از سفر خود به ژنو و شرکت در اجلاس سازمان بین المللی کار پیدا نمود. محجوب می گوید : «تشکیلات بین المللی کار برداشت صحیحی از نحوه عملکرد تشکیلات کارگری ایران و بخصوص شوراهای اسلامی کار ندارند و با موضع گیریهای نادرست خود ما را مورد اتهام قرار می دادند». آیا اتهام سازمان بین المللی کار مبنی بر فقدان تشکل کارگری در ایران بی اساس است ؟ هر کس که مفاد قانون کار جمهوری اسلامی را مطالعه کند، و فراتر از آن عملکرد ۱۵ ساله آنرا در قبال جنبش کارگری مورد داوری قرار دهد، بی شك رژیم جمهوری اسلامی را نه تنها متهم به نقض قوانین شناخته شده بین المللی کار می کند، بلکه آنرا محکوم نموده ، و بخاطر برخورد وحشیانه رژیم در قبال کارگران ، مبادرت به اخراج آنها از سازمان بین المللی کار می نماید. نزدیك به ۲۰۰ کشور در جهان وجود دارند که در قانون کار خود، حق تشکل و حق اعتصاب را ولو ظاهرا برسمیت شناخته اند. اما در پایانه قرن بیستم هنوز جمهوری اسلامی بطور سرراست و صریح ، بدون ابهام ودو پهلو گوئی ، حق تشکل کارگران را نپذیرفته و تلاش می کند با استفاده از اصطلاحات مبهم ، غیر متعارف ، این حق را منکوب نموده و در عمل با دستگیری و زندانی کردن رهبران عملی جنبش کارگری مانع شکل گیری تشکل کارگری گردد. نگاهی به قانون کار رژیم نشان می دهد ، که از ۱۰ قلم تشکلی که در بخش «تشکلهای کارگری و کارفرمایی » آمده ، نظیر انجمن اسلامی ، شوراهای اسلامی ، بطور سرراست و مستقیم ، حق کارگران برای داشتن تشکلی که از حقوق اقتصادی ـ اجتماعی آنها دفاع نماید، انکار شده است . مثلا انجمن اسلامی بعنوان یك تشکل کارگری در قانون کار آورده شده است ، این نهاد تاکنون وظیفه ای جز جاسوسی ، و شکار کارگران مبارز و پیشرو نداشته است . مضافا اینکه در خود قانون کار برای انجمنها وظیفه «تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دستآوردهای انقلاب اسلامی » منظور شده است. بزبان آدمیزاد یعنی انجمن بعنوان یك ابزار ایدئولوژیك رژیم در کارخانه عمل می کند، و سیاستهای آنرا پیش می برد.

شوراهای اسلامی نیز از این قاعده جدا نیست ، نگاهی به وظیفه شوراهای اسلامی نیز نشان می دهد که این نهاد نیز وظیفه دیگری دارد. مثلا در ساده یك قانون شوراهای اسلامی آمده است «به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدها شورایی مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان و نماینده مدیریت به نام شورای اسلامی کار تشکیل می شود» جدا از صفت ضد کارگری «اسلامی » که مانع انتخاب کارگران غیر مسلمان می گردد، ترکیب شورای اسلامی به تنهایی نشان می دهد که این تشکل حتی صرفا از کارگران طرفدار رژیم نیز تشکیل نشده ، بلکه نماینده مدیریت نیز در این شورا وجود دارند. چنانکه می بینیم اتهام سازمان بین المللی کار نه تنها بی پایه نیست ، بلکه بنا به اعتراف صریح خود مفاد قانون کار، که آقای محجوب ، شوراهای اسلامی کار را بعنوان یك تشکل کارگری برخ می کشد، حق تشکل ، حق داشتن اتحادیه در آن انکار شده است . در این شرایط اما کافی نیست ضدیت قانون کار رژیم را با هرگونه تشکل مستقل کارگری نشان دهیم ، بلکه علاوه بر آن باید روشن کنیم که تاکتیك رژیم در شرایط فشار سازمانهای بین المللی چه هست و چه اقدامی را در دستور قرار می دهد. پس از آمدن محجوب از ژنو و اجلاس سازمان بین المللی کار، جلسه شورایعالی کار تشکیل شد و ناگهان شرایط تدوین اساسنامه انجمنهای صنفی کارگری و کارفرمایی اعلام می شود. نفس اعلام اساسنامه انجمن های صنفی نشان می دهد، رژیم تلاش می کند ثابت کند حق تشکل در قانون کار پذیرفته شده است و انجمنهای صنفی موید این امر است . اگر اعلام شرایط تدوین اساسنامه انجمنهای صنفی کارگری و کارفرمایی برای مجامع بین المللی مصرف تبلیغی دارد، در داخل اما به وسیله ای جهت تحت کنترل در آوردن تشکل کارگری قرار خواهد گرفت چرا ؟ بدلایل زیر: اولا رژیم کماکان از پذیرش حق اتحادیه که یك تشکل متعارف و شناخته شده بین المللی است خودداری ورزیده و با اعلام انجمنهای صنفی معلوم نیست که چه آش درهم جوشی را مدنظر دارد. ثانیا حتی اگر یك ارزیابی خوشبینانه نیز از اعلام شرایط تشکیل انجمنهای صنفی داشته باشیم ، باز هم رژیم با توسل به تدابیری مانع شکل گیری این انجمنها می گردد، بعنوان نمونه رژیم می تواند از مفاد قانون کار در جهت منکوب کردن این نهادها استفاده کند. مثلا در قانون کار آمده است «کارگران یك واحد فقط می توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار ، انجمنهای صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشند» چنانکه می بینیم از شورای اسلامی بعنوان یك

www.iran-archive.com

تشکل می تواند برای منکوب کردن انجمنهای صنفی استفاده کند. اگر تشکیل شوراهای اسلامی را در سراسر کارخانجات نیز مدنظر داشته باشیم ، آنگاه بخوبی می توان فهمید که طرح انجمنهای صنفی حتی نمی تواند مطرح باشد. ثالثا ـ با اعلام شرایط برای تشکیل انجمنهای صنفی امکان برای تشکل کارفرمایان فراهم می گردد و با تمهیدات قانونی به کارفرمایان ضمانت می دهد که خود را متشکل نمایند و در کمال آرامش به فعالیت بپردازند، حال آنکه می دانیم مسئله کارفرماها ربطی به قانون کار ندارد، و اساسا قانون کار می بایستی وظیفه ای جز دفاع از حقوق اقتصادی ـ اجتماعی کارگران در قبال کارفرما و دولت نداشته باشد. رابعا در اساسنامه انجمنهای صنفی آمده است که هر انجمن موظف است به «اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی » کمتر از ۵ درصد حق عضویت ، نپردازد. سئوال اینست به چه دلیلی انجمنهای صنفی می بایست میزان معینی از حق عضویت خود را با توجه به این شرایط اسفناک مادی به نهادهای وزارت کار بپردازد ! در قبال چه خدماتی این میزان از حق عضویت انجمنهای صنفی باید به جیب وزارت کار برود؟ بررسی شرایط تدوین اساسنامه انجمنهای صنفی و محدودیت هایی که قانون کار پیشاروی آن گذاشته نشان می دهد، که جمهوری اسلامی صراحتا آزادی تشکل های مستقل کارگری را نمی پذیرد و با ابزار و وسایل مختلف ، تلاش می کند، مانع شکل گیری آنها گردد. مسئله اصلی اینست که آیا بطور صریح و روشن در جمهوری اسلامی اتحادیه آزاد است یا نه ؟ همه کشورهای دنیا برخلاف جمهوری اسلامی ۱۰ قلم تشکل ندارند، آنها عموما حق تشکیل اتحادیه را پذیرفته اند، اما در جمهوری اسلامی ۱۰ قلم تشکل در قانون کار آمده است تا حق تشکیل اتحادیه انکار شود. ضدیت با تشکل مستقل کارگری جزء ماهیت ضد کارگری رژیم است و آنها تلاش خواهند کرد، از هر وسیله ای برای مسخ آن استفاده نمایند. با این وجود در شرایط کنونی که جمهوری اسلامی تحت فشار مجامع بین المللی مجبور شده است ، تشکیل انجمنهای صنفی را «آزاد» بگذارد، این مسئله اما امکان فراهم می کند، که کارگران پیشرو ، دقیقا با استناد به همین شرایط با دست بازتری برای سازماندهی تشکل مستقل کارگری اقدام نمایند و سازماندهی تشکیلات مستقل کارگری را در دستور قرار دهند، تا در صورت مقابله رژیم ، زمینه عینی و مشخصی برای افشاء آن فراهم آید. در شرایطی که رژیم زیر فشار است ، امکان پیشروی کم نیست ، هر چند رژیم قطعا با آن به مخالفت برخواهد خواست ، ولی امکان دارد ، در این شرایط آنها را به تله انداخت . در شرایط کنونی امکان عینی بیشتری فراهم شده که کارزار وسیعی علیه رژیم براه انداخته شود، خصوصا با توجه به نماینده شدن عامل رژیم در سازمان جهانی کار، زمینه مساعدی برای فشار فراهم آمده است . در این میان مبارزات خارج کشور در پیوند با مبارزات کارگران در داخل ، می تواند سهمی بزرگی در این رابطه ایفا نماید. برای بدست آوردن حق تشکل باید تشکل کارگری را پی ریزی کرد. برای اینکه تشکل کارگری را سازمان داد، باید برای حق تشکل مبارزه کرد، و مبارزه سازمانیافته کارگران نشان می دهد که آیا می توان حق تشکل را بدست آورد یا نه ؟ همه چیز به نحوه مبارزه و میزان سازمان یافتگی کارگران بستگی دارد.

طالب

آبان ۷۲

آکسیون در هلند

در اعتراض به ترورهای رژیم جمهوری اسلامی در خارج ، در ماههای اخیر (بهرام آزادفر، محمد قادری در ترکیه) آکسیونی در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۳ در جلوی ساختمان یو_ان (UN) در شهر دن هاخ هلند برگزار گردید. معترضین در این آکسیون خواهان موضعگیری علنی یو ـ ان در قبال ترورهای رژیم جمهوری اسلامی ایران در خارج ، و فرستادن هیئتی از یو_ ان به ترکیه جهت مذاکره با دولت ترکیه ، در رابطه با امنیت جان پناهندگان و رسیدگی به وضع آنان شده اند. طی آکسیون سه نماینده از طرف جمع با نماینده دفتر یو ـ ان نشستی داشته که منجر به نتایج زیر گردید.

۱ـ درج خبر آکسیون به یو ـ ان در ژنو

۲ـ تهیه نامه اعتراضی توسط نماینده یو ـ ان علیه سکوت این سازمان در رابطه با ترورهای رژیم جمهوری اسلامی در خارج و ارسال آن به یو ـ ان ژنو ، ترکیه ، فرانسه .

۳ـ تماس با دولت هلند در جهت بحث پیرامون ترورهای رژیم جمهوری اسلامی درخارج .

این آکسیون توسط «انجمن کارگران تبعیدی » در هلند، فدراسیون شوراهای سراسری پناهندگان و مهاجران ایرانی در هلند، و سازمان مستقل پناهندگان ایرانی در رتردام انجام گرفت.

انجمن کارگران پناهنده ومهاجرایرانی ـ هلند

سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی!

www.iran-archive.com

گزارش نشست با رهبران «کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری بلژیك »

در تاریخ ۹۳/۹/۱۷ بدنبال دعوت مرکز «کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد» مستقر در بلژیك از انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی در هلند، جلسه ای با رهبران این سازمان برگزار گردید. این نشست در سه نوبت بتفصیل اوضاع اقتصادی ـ سیاسی ـ اجتماعی کارگران در ایران را مورد بحث و بررسی قرار داد. پس از تشریح چکیده ای از مبارزات کارگران برای احقاق حقوق خویش و ارائه لیستی مرکب از بیش از پانصد کارگر اعدام شده ، بهمراه دیگر اسناد جنایات جمهوری اسلامی ، موارد فعالیتهای عملی مشترك با این سازمان به بحث و تبادل نظر گذاشته شد. بطور کلی بخش نخست به معرفی و دلایل تشکیل انجمن کارگران تبعیدی و فعالیتهای آن سپری گردید. پس از استماع ، رهبران این کنفدراسیون پرسشهائی را پیرامون اهداف و چشم اندازهای این انجمن مطرح ساختند، بنوبه خود نمایندگان انجمن بطور مشروح به سئوالات آنان پاسخ دادند و آنانرا در جریان کلی فعالیتهای انجام شده و اهداف انجمن قرار دادند. در بخش دوم ، نظرات متفاوتی پیرامون چگونگی پیشبرد کمپین دفاعی از مبارزات کارگران و افشای سرکوب و جنایات رژیم جمهوری اسلامی و همچنین توانائی این سازمان در سطح جهانی و بطور مشخص اخراج ایران از «سازمان جهانی کار» به تبادل نظر و گشودن راههای عملی بدور آن دنبال گردید. در نتیجه مقرر شد شکوائیه ای علیه جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق کارگران و بی تشکلی آنان در ایران تهیه و تنظیم گردد و به آنان تحویل داده شود، تا آن سازمان بعنوان وکیل بتواند در مجامع بین المللی از آن دفاع کند. بدنبال این تصمیم قرار شد تا با فراهم آوردن اسناد و مدارك لازم و همچنین تماس برقرار کردن با اتحادیه های کارگری دیگر کشورها هماهنگی لازم پیرامون آن بعمل آورده شود. شکوائیه تنظیمی توسط این سازمان نیز بعنوان یك قطعنامه جهت تصویب علیه رژیم جمهوری اسلامی در مجمع عمومی «سازمان جهانی کار» به بحث و تبادل نظر گذاشته شد. باید توجه داشت که رژیم جمهوری اسلامی فقط به ماده های بسیار ناچیزی از کنوانسیون «سازمان جهانی کار» پایبند و متعهد است. بعبارت دیگر این رژیم به تمامی موارد اساسی این کنوانسیون متعهد نیست و مفاد این مجمع مورد قبول آن نیست . در بخش پایانی این نشست ، گفتگوهائی با سردبیر انتشارات این سازمان بعمل آمد، ابتدا مقاله نوشته شده در گزارش سالانه ۱۹۹۳ و پاسخ اعتراضی هیئت نمایندگی «خانه کارگر» به آن مقاله در جلسه مجمع عمومی «سازمان جهانی کار» مرور شد، پس از تبادل نظر حول و حوش این واقعه ، مقرر گردید جهت همکاری و مساعی بیشتر با این ارگان ، اسناد و مقالاتی در ارتباط با مبارزات اقتصادی ـ سیاسی کارگران و سرکوب و اختناق جمهوری اسلامی علیه آن مقالاتی تهیه و تنظیم گردد و بطور مستمر جهت درج این ارگان هفتگی ـ ماهانه و سالیانه به آن ارسال گردد.ازنکات حاشیه ای این جلسه این بود که رهبران این سازمان مدعی بودند که در تاریخ تشکیل این کنفدراسیون «انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی » اولین تشکل اپوزیسیون ایرانی است که با آنان بطور مستقیم به تبادل و نظر و گفتگو نشسته اند.

انجمن کارگران پناهنده و
مهاجر ایرانی ـ هلند

اعضاء و دوستان کارگر تبعیدی

اعضاء و دوستان کارگر تبعیدی !

۵ سال پیش کارگر تبعیدی با کمترین امکانات انتشار خود را آغاز کرد، اما بتدریج با همکاری و یاری اعضاء وعلاقمندان ، شرایط مناسب تری را برای انتشار و توزیع کسب نمود و امروزه نشریه ما تا حدی توانسته جای خالی یك نشریهٔ کارگری فارسی زبان را در سطح خارج از ایران پر نماید. با اینهمه کارگر تبعیدی هزینه های زیادی را به خود اختصاص داده که بخش ناچیزی از این هزینه ها از طریق آبونمان و تکفروشی به صندوق انجمن بر می گردد، در حالیکه بخش اعظم این هزینه ها هنوز از صندوق انجمن پرداخت می شود. بعبارت دیگر ما هنوز نخواسته ایم کارگر تبعیدی بصورت انتفاعی منتشر شود و دخل و خرج آن از صندوق انجمن مستقل نبوده ، بلکه هزینهٔ آن عمدتا از حق عضویت ها و کمك مالی اعضاء آن تامین می گردد، هر روزه بر این هزینه ها (از تایپ و کپی گرفته تا توزیع و همچنین خرید نشریات دیگر برای استخراج اخبار و برخی مطالب) افزوده می شود. از آنجا که درآمد انجمن محدود بوده و علاوه بر انتشار نشریه هزینه های دیگری نیز دارد، صندوق ما با کمبود مالی مواجه است .

اعضاء و دوستان انجمن !

کارگر تبعیدی برای تداوم فعالیت و گسترش توزیع خود به کمك مالی داوطلبانه شما اعضاء و خوانندگان کارگر تبعیدی نیاز دارد. از هر طریق مناسب به ما یاری رسانید! کمکهای نقدی خود را با ذکر «کمك به نشریه » به یکی از نشانی های انجمن در سوئد، انگلیس و یا آلمان ارسال کنید.

www.iran-archive.com

اولین شماره بولتن خبری کارگر تبعیدی منتشر شد

نخستین شماره «بولتن خبری » به همت فعالین انجمن در سوئد و به پیشنهاد هیئت هماهنگی منتشر شد. در این شماره زیر عنوان «سخنی با خواننده » مطلب زیر به چاپ رسیده است:

کارگر تبعیدی ارگان انجمن به دلایل معینی قادر به انتقال و انعکاس بموقع برخی خبرها و وقایع جنبش کارگری نیست . فقر مالی و فنی که دائما ما با آن روبرو هستیم ، طولانی بودن فاصله انتشار نشریه ، و مسائل و موضوعاتی که نشریه ما باید روی آنها متمرکز شود از جمله این دلایل هستند.

از سوی دیگر ما برای پیشبرد فعالیتها و اهداف خودمان نیاز به دسترسی به خبرها و وقایعی داریم که در عرصه مسائل کارگری ، اگر چه محدود و تحت سانسور شدید جمهوری اسلامی به طور ضعیف در رسانه ها و مطبوعات داخل کشور منعکس میگردد. تهیه و جمع آوری این خبرها برای هر واحدی به طور جداگانه نه ممکن است و نه کاری است منطقی .

علاوه بر آن همانطور که برخی از رفقا و واحدها بدرستی بدان اشاره کرده اند در کشورهایی که ما تماس نسبتا فعالی با اتحادیه ها و تشکل های کارگری داریم آنان انتظار دارند تا مسائل کارگران ایران را در زمینه های مختلف به اطلاع آنان برسانیم . انتقال برخی اخبار و وقایع بخشی از آن مسائل میباشد. این بولتن در جهت پاسخگوئی به این نیازها منتشر میگردد، امیدواریم که هر واحدی در صورت توان واحساس نیاز بتواند این بولتن را بزبان مردم ـ محل سکونتش ـ ترجمه و بدست تشکلهای کارگری برساند. تلاش ما این خواهد بود که این بولتن در فاصله بین انتشار هر شماره کارگر تبعیدی منتشر گردد اما در عین حال باید بگوئیم که بولتن خبری ما دارای کمبودها و نواقص جدی نیز خواهد بود. چرا که این بولتن بوسیله کارگرانی تهیه و منتشر میگردد که نه از امکانات فنی حداقل برای اینکاربرخوردارند و نه در عرصه نگارش و کارهای مطبوعاتی تجربه ای دارند.

ما فکر می کنیم رفع این نواقص و کمبودها و همچنین تداوم انتشار و موفقیت آن در گرو همکاری همه رفقا و واحدها و دوستداران انجمن خواهد بود.

کمیته خبری

رفقایی که مایلند بولتن خبر ی را دریافت نمایند می توانند با آدرس زیر تماس گرفته و تعداد خبرنامه مورد نیازشان را دریافت کنند. آدرس :

Bahar
P.B
S-40256
Goteborg - Sweden

www.iran-archive.com

فرم اشتراك كارگر تبعيدی

برای اشتراك نشريه كارگر تبعيدی با آدرس زير تماس بگيريد:

Verein der iranischen
Arbeiter emigranten
und Flüchtlinge
Am Judenkirchhof 11C
30167 Hannover
Germany

آدرس متقاضی :
نام :
آدرس :
شهر :
كشور :

حق اشتراك ٦ شماره : لطفا تعداد مورد نظر خود را ذكر كنيد:
۲۰ مارك آلمان و يا معادل آن

اين قيمت با محاسبه هزينه پستی است .
بهای اشتراك خود را عجالتا به آدرس بالا ارسال كنيد

خبر اعدام یك کارگر

در زمانی که نشریه کارگر تبعیدی آخرین مراحل چاپ را طی می کرد، اطلاع یافتیم که کیومرث یگانه پور ، کارگر فلز و از فعالین سرشناس جنبش کارگری ، پس از سالها اسارت در زندانهای جمهوری اسلامی ، اعدام شده است .

اعدام کیومرث یگانه پور برگی است از کارنامه ننگین رژیم جنایتکار و ضد کارگری جمهوری اسلامی . ما این واقعه تاسف آور را به خانواده این کارگر مبارز و تمامی فعالین جنبش کارگری تسلیت می گوییم .

توضیح

در لحظاتی که کارگر تبعیدی برای چاپ آماده میشد متن مصاحبه ای با فرهاد فرج یکی از فعالین جنبش کارگری کردستان عراق را دریافت کردیم از آنجا که ترجمه این مصاحبه احتیاج به تنظیم داشت ، لذا ناچار شدیم آنرا برای چاپ در شماره آینده نشریه در نظر بگیریم .

« ه . ت »

اقدام سپاه برای مقابله با رشد مبارزه کارگران

در پی شعار نویسی کارگران در اغلب مجتمع های جنوب از جمله لوله سازی صنایع فولاد،کشت و صنعت کارون و .. از طرف سپاه پاسداران اهواز (بخش اطلاعات) به کلیه پیمانکاران و مدیران روسای این شرکت ها ابلاغ گردید که ظرف یك ماه آینده لیست کلیه کارکنان کارگرانی را که دارای سوابق سیاسی و اینکه مشکوك به فعالیت در میان کارگران هستند به این واحد سپاه ارسال نمایند.

آبان ۱۳۷۲

نامه انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی (انگلستان)

به دبیر کل اتحادیه آتش نشانی به مناسبت مرگ دو تن از کارگران آتش نشانی

دبیر کل عزیز

مطلع شدیم که اخیراً دو تن از رفقای مأمور آتش نشانی در حال انجام وظیفه جان خود را از دست داده اند.

خواهشمندیم پیام تسلیت ما را به خانواده و نزدیکان این دو رفیق برسانید.

آرزوی بهبودی و سلامتی هر چه زودتر برای تمام رفقای زخمی در این سانحه را داریم.

با درود های رفیقانه

یداله
از طرف انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی (انگلستان)
۱۰ اکتبر ۹۳

نشانیهای پستی

انجمن کارگران پناهنده ومهاجرایرانی

انگلستان

IRWA
P.O.Box 3646
London Sw 11-5yT
England

آلمان

Verein der iranischen
Arbeiteremigranten
u.Flüchtlinge e.v
Am Judenkirchhof 11 C
30167 Hannover
Germany

هلند

Weena 745
3013 AL Rotterdam
Holland

سوئد

Bahar
P.R
S 40256
Göteborg
Sweden

کانادا

P.O.Box 622-STNB
OTTAWA-ONT
KIP-5 P 7
Canada

www.iran-archive.com